

۳
افقتغییر مسیر بدهید
هشدار عراقچی به تروئیکا۵
تماشاجایزه لعنتی!
شیر طلایی به جارموش رسید۸
حافظهمردی که تنها ماند
به یاد حاج داوود کریمی۲
رهشود

راوی ضعف‌ها نباشید

هیأت دولت با رهبر انقلاب دیدار کردند



یادداشت روز

تولید و تکثیر اعتماد عمومی

پلیس، مشروعیت خود را تقویت کند

صالح نقره‌کار

حقوقدان



«ریچارد سنت» در کتاب «احترام» با تبیین مختصات جهان نابرابری‌ها می‌نویسد، کمبود عرضه احترام در جامعه مثل قحطی عمل می‌کند. عارضه جامعه مدرن فقدان به رسمیت شناختن دیگران و احترام به آنهاست. قربانی جامعه نابرابر حرمت و کرامت شهروندی است و تبعیض اوج بی‌احترامی است. حکومت قانون در نظم جمعی تجلی می‌یابد و خیر عمومی بازتاب رفتار برابر با برابرها یعنی یکایک شهروندان است. کلاتری‌ها در ساختار انتظامی کشور، نخستین حلقه ارتباط میان شهروندان و پلیس هستند. شیوه رفتار مأموران در این مراکز می‌تواند بر میزان اعتماد عمومی به حاکمیت قانون و احساس امنیت اجتماعی اثر مستقیم داشته باشد. از این رو رعایت دقیق حقوق شهروندی در کلاتری‌ها نه تنها یک الزام قانونی بلکه ضرورتی اجتماعی و اخلاقی در جهت احترام به شهروندان ذیل حکومت قانون است. اما ملاحظات:

۱ حقوق شهروندی مجموعه‌ای از آزادی‌ها و تضمین‌هایی است که هر فرد به اعتبار شهروند بودن از آن برخوردار است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول متعددی از جمله اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷ و ۳۸ به طور مستقیم به صیانت از این حقوق پرداخته‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری نیز با صراحت در مواد مختلف، ضابطان دادگستری از جمله مأموران کلاتری را مکلف به رعایت این حقوق کرده است.

۲ به قول کانت دانش و عمل و امید سه ابزار زیست شایسته انسان هستند. یک اداره عمومی هم باید هر سه را داشته باشد. هم بداند و هم عمل کند و هم افق روشن‌تری را پیش روی شهروندان ترسیم کند. قانون خوب دانایی اداره عمومی است.

کلاتری‌ها و ضابطین عام باید بدانند طبق نظام هنجاری از جمله قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری شهروندان حق دارند، طرح شکایت در قبال دریافت رسید رسمی نمایند؛ هیچ شکایتی نباید بدون ثبت و پیگیری باقی بماند. حق اطلاع خانواده در صورت بازداشت یا احضار به وکیل در تمام مراحل دادرسی دسترسی یابند (ماده ۵). ممنوعیت شکنجه و اجبار به اعتراف (ماده ۷) تعریف ضابطان و شمول مأموران کلاتری در این گروه. (ماده ۲۹) نظارت دادستان بر تمامی عملکرد ضابطان (ماده ۵۷) حمایت از بزه‌دیدگان و رسیدگی سریع و محرمانه به شکایات آنان. ممنوعیت بازداشت و بازرسی خودسرانه و لزوم استناد همه اقدامات به دستور قضایی. ضابطان دادگستری (کلاتری‌ها، پلیس آگاهی و دیگر واحدها) موظف‌اند، اقدامات خود را در چارچوب دستور مقام قضایی انجام دهند.

| ادامه در صفحه ۷

غوغای روحانی

حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران که این روزها بر ضرورت گفت‌وگو با غرب و دور کردن سایه جنگ از کشور تأکید می‌کند، با حمله تندروها مواجه شده است آنها درصددند تا او را با تهدید به محاکمه و زندان، ساکت کنند



عاطفه شمس

گروه سیاسی



با بازگشت سایه مکانیسم ماشه به پرونده هسته‌ای ایران، حسن روحانی و محمدجواد ظریف بار دیگر در کانون حملات تندروها قرار گرفته‌اند. حملاتی که بیش از آنکه نقد منصفانه باشد، تلاشی است برای پنهان کردن هزینه‌های سیاست‌های تقابلی و فرصت‌سوزی‌هایی که کشور را به این نقطه رسانده است. روحانی در سخنرانی اخیر خود تأکید کرد که اگر در سال ۱۴۰۰ مانع‌تراشی‌ها وجود نداشت و ایران در دوره بایدن به برجام بازمی‌گشت، امروز نه تحریم‌ها چنین کمرشکن بودند و نه تهدید بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت وجود داشت. ظریف نیز در گفت‌وگوهای تازه خود با صراحت از فرصت‌سوزی‌ها سخن گفته است. اظهاراتی که «آب در خوابگاه مورچگان ریخت» و موجی از واکنش‌های تندروها را برانگیخت؛ از اتهام خیانت، ساده‌لوحی و همراهی با دشمن گرفته تا درخواست محاکمه آنها و تحلیل‌هایی که روحانی را «پروتر از ترامپ» و ظریف را «مغرور و بی‌اثر» خواندند.

روحانی چه گفت؟

روحانی در سخنان اخیرش به صراحت گفت که همه چیز در سال ۱۴۰۰ آماده بود. توافقات در وین نهایی شده و تنها نیازمند تصمیم نهایی در داخل بود. به گفته او، اگر آن توافق اجرایی می‌شد، ایران ظرف چند ماه می‌توانست روزانه دو تا سه میلیون بشکه نفت بفروشد، دارایی‌های بلوکه شده آزاد شود و روابط بانکی و تجاری به حالت عادی بازگردد. به گفته روحانی، برخی جریان‌ها عاملدانه مانع شدند تا دستور بازگشت به برجام به نام دولت یازدهم و دوازدهم ثبت نشود. او خسارت عدم بازگشت به برجام را بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد؛ رقمی که نه تنها شامل کاهش درآمدهای نفتی بلکه شامل هزینه‌های اضافی تجارت در شرایط تحریم، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و افت رشد اقتصادی نیز می‌شود.

| ادامه در صفحه ۲



نقد

از توطئه‌خوانی تا فرهنگ‌سازی

نگاهی به یادداشت حسین شریعتمداری درباره لایحه حجاب

گروه سیاسی: حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان، روز گذشته طی یادداشتی با تیتَر «دیدید که فریب خورده‌اید؟! پدیده بی‌حجابی را یک توطئه حساب شده از سوی دشمنان ایران اسلامی دانسته است که برخلاف ظاهر آن نه فقط علیه زنان کشورمان بلکه برای مقابله پنهان و تدریجی با هویت اسلامی جامعه طراحی شده و به صحنه آورده شده است. شریعتمداری در این یادداشت با استناد به برخی مواد لایحه حجاب و عفاف، نتیجه می‌گیرد که این لایحه نه‌تنها از گسترش بی‌حجابی جلوگیری نمی‌کند بلکه عملاً به آن دامن می‌زند و هدف پنهان آن گسترش بی‌حجابی در کشور است. این دیدگاه با حمله به مسئولان دولتی، قضایی و مجلس همراه شده و آنان را «فریب‌خورده» و غافل از توطئه‌های دشمن معرفی می‌کند.

در نگاه شریعتمداری، مساله حجاب بخشی از «جنگ ترکیبی دشمن» علیه هویت اسلامی جامعه ایران است. او تأکید می‌کند که کشف حجاب، حرام شرعی و ممنوع قانونی است و مقابله با آن، وظیفه اخلاقی و شرعی مسئولان و شهروندان محسوب می‌شود. شریعتمداری حتی با استفاده از قیاس ملموس، مقایسه‌ای بین مصرف مواد مخدر و بی‌حجابی ارائه می‌دهد و این رفتار را معادل آسیب‌رساندن به فرزندان دانسته و مدارا با آن را خیانت می‌خواند.

اگرچه تحلیل شریعتمداری از لایحه و ارزیابی او از آثار آن به نظر برخی دغدغه‌مندانه و بی‌هدف حفظ ارزش‌های اسلامی است اما در بررسی دقیق‌تر چند نکته قابل توجه به چشم می‌خورد. نخست آنکه او فرض را بر این می‌گذارد که مسئولان و سیاست‌گذاران ناآگاهانه در مسیر دشمن قدم گذاشته‌اند و لایحه به جای تنظیم چارچوب‌های قانونی صرفاً زمینه‌ساز بی‌حجابی است. این پیش‌فرض ساده‌سازی بیش از حد واقعیت‌های پیچیده جامعه ایران محسوب می‌شود. موافقان لایحه حجاب، از جمله برخی حقوق‌دانان و کارشناسان اجتماعی، استدلال می‌کنند که این طرح با هدف ایجاد چارچوبی قانونی برای رعایت اختیاری و تشویقی حجاب ارائه شده است و تلاش دارد بین آزادی فردی و احترام به قوانین شرعی تعادل ایجاد کند. به گفته آنان، تصویب این لایحه به معنی حمایت از بی‌حجابی نیست بلکه با رویکرد آموزشی و فرهنگ‌سازی، قصد دارد از برخوردهای خشونت‌آمیز و چالش‌های اجتماعی جلوگیری کند. به بیان دیگر، هدف، نه لغو حجاب بلکه اصلاح شیوه‌های اجرایی و کاهش تنش میان جامعه و نهادهای قانونی است.

از سوی دیگر، شریعتمداری تأکید می‌کند که پدیده کشف حجاب ریشه بیرونی دارد و تحت هدایت سرویس‌های جاسوسی دشمنان و عوامل داخلی دنبال می‌شود. موافقان لایحه با وجود اذعان به تهدیدات فرهنگی و سیاسی خارجی معتقدند که سیاست‌های مبتنی بر تعامل و فرهنگ‌سازی مؤثرتر از فرضیه توطئه و برخورد سخت هستند. تجربه‌های مشابه در حوزهای اجتماعی نشان داده که اجبار مستقیم اغلب باعث مقاومت و تشدید بی‌نظمی‌های اجتماعی می‌شود، در حالی که آموزش و ایجاد انگیزه مثبت می‌تواند اثرات پایدارتری داشته باشد.

یکی دیگر از نکات مورد بحث در یادداشت شریعتمداری اصرار بر این است که مسئولان باید وظایف قانونی و شرعی خود را به صورت قاطع اجرا کنند و کوتاهی در این زمینه خیانت محسوب می‌شود. این دیدگاه، اگرچه بر اهمیت مسئولیت‌پذیری تأکید دارد اما از زاویه حقوقی و اجتماعی می‌تواند، تعبیر یک‌جانبه و محدودکننده ارائه دهد؛ به ویژه در شرایطی که اکثریت جامعه دارای نگرش‌های مختلفی نسبت به حجاب هستند و تنوع فرهنگی و اجتماعی باید در طراحی سیاست‌ها لحاظ شود. یادداشت او همچنین به بیانات رهبر اشاره دارد که حجاب را چالشی تحمیلی و مساله‌ای ساختگی دانسته و تأکید کرده‌اند که بانوان حتی در صورت کوتاهی جزئی، دلبسته اسلام و نظام هستند. این نکته می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از نگاه واقع‌بینانه‌تر به مساله تلقی شود؛ نکته‌ای که در یادداشت شریعتمداری کمتر مورد تأکید انتقادی قرار گرفته است. در نهایت، یادداشت شریعتمداری تصویر روشنی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های محافظه‌کارانه درباره حجاب ارائه می‌دهد اما تحلیل‌های موافق لایحه، نشان می‌دهد که به جای ارجاع خواست بخشی از جامعه به توطئه دشمنان و سخن گفتن از ضرورت تقابل، ایجاد یک چارچوب قانونی انعطاف‌پذیر، تشویقی و فرهنگی می‌تواند به مراتب اثرگذارتر از راهبردهای تنبیهی و برخورد سخت باشد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

راوی ضعف‌ها نباشید

هیأت دولت با رهبر انقلاب دیدار کردند

اینکه «مسئولان راوی قدرت و قوت و امکانات کشور باشند و نه راوی ضعف‌ها» تأکید کردند: «صاحبان قلم و بیان، نقاط قوت را بیان کنند». ایشان روحیه کار و تلاش را مؤلفه مهمی در حل مسائل کشور دانسته و افزودند: «روحیه کار و تلاش را بر حالت نه جنگ نه صلح غلبه بدهیم». رهبر انقلاب با بیان این که روحیه و انگیزه و یکپارچگی ملت، مهم‌ترین مؤلفه قدرت است، تصریح کردند: «وظیفه مهم دولت‌ها تقویت مؤلفه‌های قدرت و عزت ملی است».

رهبری تأمین به موقع کالاهای اساسی را یکی از ضروریات برشمردند که اثر مستقیمی بر سفره مردم دارد و افزودند: «معیشت مردم یکی از مهم‌ترین مسائل کشور است. به این موضوع همچنین انضباط بازار و قیمت‌ها توجه جدی شود». ایشان همچنین با اشاره به اهمیت پیگیری مسئولان تصریح کردند: «پیگیری موضوعات تا رسیدن به نتیجه یکی از اولویت‌هاست، پیگیری در سطح مسئولان میانی و در سطح بدنه». ایشان یکی از فرصت‌های کنونی را امکان اجماع‌سازی در کشور دانسته و تأکید کردند: «از این فرصت برای انجام

رهبر انقلاب عصر روز گذشته در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران با اشاره به ضرورت تقویت مؤلفه‌های قدرت و عزت ملی، «مساله معیشت مردم» را از مهم‌ترین مسائل کشور خواندند.

ایشان ضمن خداقوت به اعضای دولت و تشکر ویژه از رئیس‌جمهور و قدردانی از سفر اخیر او به چین با اشاره به ضرورت تقویت مؤلفه‌های قدرت و عزت ملی، «مساله معیشت مردم» را از مهم‌ترین مسائل کشور خواندند. ایشان با تأکید بر اقدامات جدی‌تر دولت در «انضباط بازار» و رفع دغدغه مردم درباره افزایش بی‌ضابطه قیمت کالاها، توصیه‌های مهمی در زمینه ضرورت «غلبه فضای کار و تلاش و امید» بر «حالت نه جنگ نه صلح»، تقویت تولید، پیگیری تصمیمات تا حصول نتایج، استفاده از فرصت موجود اجماع‌سازی برای انجام کارهای مهم، حل مشکل مسکن، پرهیز از اسراف به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی و توجه مسئولان و اصحاب قلم و بیان به تبیین نقاط قوت حقیقی و امیدآفرین بیان کردند. گزیده‌ای از بیانات رهبری را در ادامه می‌خوانید. رهبری در این دیدار با بیان

ادامه تیتَر یک

غوغای روحانی

روحانی با لحنی انتقادی افزود: «کسانی که روزی می‌گفتند قطعنامه‌ها کاغذپاره است، امروز نگران بازگشت همان قطعنامه‌ها هستند. اگر آن زمان کاغذپاره بود چرا حالا تهدیدی بزرگ تلقی می‌شود؟! او منتقدان داخلی برجام را هدف گرفت و با یادآوری ۶ قطعنامه شورای امنیت از تناقض در مواضع آنان سخن گفت: «شما که می‌گویید، برجام بد بوده و کارهای قبل خیلی خوب بوده؛ شما ۶ قطعنامه گرفتید، می‌گویید خوب بوده حالا برمی‌گردیم به همان، ما برمی‌گردیم به قبل از سال ۹۴. شما که قطعنامه را کاغذپاره می‌دانید، شما که کل برجام را بد می‌دانید، شما دیگر ساکت باشید».

برجام؛ راه حل عقلانی

محمود جواد ظریف نیز طی گفت‌وگوهای اخیر خود در داخل و خارج کشور بر این نکته تأکید کرده که برجام یک راه‌حل عقلانی بود: محدودیت‌های مشخص بر برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌ها. او یادآور شد که این توافق توانست، اجماع جهانی علیه ایران را بشکند و میلیاردها دلار منابع را آزاد کند. از نگاه ظریف، مشکل اصلی نه در ذات برجام بلکه در خروج یک‌جانبه آمریکا سپس بی‌عملی اروپا و نهایتاً کارشکنی داخلی بود. این نکته همچنین نشان می‌دهد که ناکامی برجام ربطی به ضعف دیپلماسی ایرانی نداشت.

توپخانه منتقدان

این سخنان کافی بود تا موج تازه‌ای از حملات آغاز شود. کیهان نوشت که حضور آقای روحانی در ریاست‌جمهوری همه انتظارات و خواسته‌های غرب از جنگ با ایران را تأمین کرده بود و آنها دیگر نیازی به جنگ نمی‌دیدند!

مهدی کوچک‌زاده، نماینده مجلس نیز روز گذشته حملات خود را متوجه روحانی کرد و گفت: روحانی چگونه در زمان مسئولیت‌های مهم و امنیتی در انگلستان درس می‌خواند؟ بنده در سایت مرکز تحقیقات استراتژی دیدم که حسن روحانی از سال ۱۳۶۸ چه مسئولیت‌هایی داشته است؟ ایشان ۸ مسئولیت مهم داشتند و در عین حال در انگلستان هم تحصیل کردند. حسن روحانی در بهترین حالت پروازی درس می‌خواندند». نماینده مردم تهران با انتقاد از نحوه تصویب برجام گفت: «در همان زمان به مکانیسم ماشه اعتراض کردیم اما کسی توجهی نکرد؛ دولت و آقای ظریف در این موضوع بسیار متکبر بودند». وی ادامه داد: «آقای ظریف به غیر از زبان انگلیسی و برخی کلمات دیپلماسی چه تأثیر مثبتی داشتند؟! او حتی پا را فراتر گذاشت و ادعا کرد: «روحانی مقصر اصلی سقوط هواپیمای اوکراینی است و باید محاکمه شود». خبرگزاری تسنیم هم در گزارشی با تیتَر «روحانی پروتزر از ترامپ» نوشت: «یکی از مدعاهای این روزهای آقای روحانی، که جناب ظریف نیز در آن شریک است، این است که اگر برجام به‌هم بخورد و تحریم‌ها برگردد، اتفاقی نیفتاده؛ به همان دوره قبل از برجام برگشته‌ایم؛ لذا نباید منتقدان، لب به سخن بکشایند؛ چراکه تازه روز از نو و روزی از نوست و جایی برای اعتراض منتقدان برجام نمی‌ماند! این هم یک بازی زبانی ساده‌انگارانه است... برجام



کارهای مهم استفاده شود». رهبر انقلاب با بیان اینکه افزایش تولید نفت موضوع مهمی است، تأکید کردند: «باید در اکتشاف نفت از روش‌ها و ابزارهای جدید استفاده شود. از توان نخبگان جوان بهره گرفته شود».

ایشان از مسئولان و دستگاه‌ها خواست مراقب موضوع اسراف باشند به‌خصوص در زمینه سفرها.

رهبری در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه باید با فاجعه‌آفرینی رژیم خبیث و منفور صهیونی در غزه مقابله شود، تصریح کردند: «یکی از خطوط اصلی دیپلماسی کشور باید توصیه به کشورها برای قطع ارتباط با رژیم صهیونی باشد».

می‌دانند، زنده شدن بحث برجام به معنای به چالش کشیده شدن راهبردشان است. بنابراین هر صدای تازه‌ای که از ضرورت تعامل بگوید با برچسب خیانت و ساده‌لوحی خاموش می‌شود.

وضعیت‌نهیلیستی

در همین رابطه احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار مستقل در کانال تلگرامی‌اش به درستی نوشت: «نظامی که آدمی با روابط مشکوک خارجی بتواند به مدت ۸ سال در مقام ریاست‌جمهوری آن نقش بازی کند، دیگر چه محلی از کمترین اعتبار را دارد؟ اینکه به معنای نفوذ خارجی در تمام خلل و فرج آن است!» او در ادامه می‌نویسد: «نظامی که نخست‌وزیر دوران جنگش، رئیس دو مجلس‌اش، سه رئیس‌جمهور بعدی‌اش همگی به ارتباط مشکوک با سرویس‌های خارجی و یا مدیریت شده از جانب اجانب متهم شوند، دیگر از آن چه می‌ماند که عده‌ای با این نوع اتهامات بخواهند سنگ دفاع از آن را به سینه بزنند؟ این یک وضعیت کاملاً نهیلیستی است! عقل هم در آن گویی به کلی ضایع شده است!»

دیپلماسی معطل مانده

آمارها نشان می‌دهد که در دوره اجرای برجام، صادرات نفت ایران به بالای دو میلیون بشکه در روز رسید، تورم برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر تک‌رقمی شد و اقتصاد کشور از رکود خارج شد. میلیاردها دلار پول نقد به کشور بازگشت و فضای امید در جامعه شکل گرفت. حتی منتقدان نمی‌توانند این دستاوردها را انکار کنند، هرچند آن را موقتی بخوانند. واقعیت این است که پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ ایران با سیاستی حساب شده، تلاش کرد از فروپاشی کامل توافق جلوگیری کند و مانع شد که همه قطعنامه‌های شورای امنیت فوراً بازگردند. این همان عقلانیتی بود که دولت روحانی دنبال می‌کرد. اما پس از تغییر دولت، امید به احیای توافق در دوره بایدن هم از دست رفت و اکنون کشور در معرض بازگشت کامل تحریم‌هاست. پرسش اینجاست که آیا بهتر نبود این روند ادامه پیدا می‌کرد و با تضمین‌های محکم‌تر، خطر خروج دوباره آمریکا کاهش می‌یافت؟

نیاز به بازخوانی تجربه برجام

به نظر می‌رسد در حال حاضر نیز تنها راهی که می‌تواند تحریم‌ها را به‌طور واقعی کاهش دهد، بازگشت به توافقی مشابه برجام است. حملات شدید به روحانی و ظریف بیش از آنکه نقد گذشته باشد، تلاشی است برای بستن راه آینده. مخالفان دیپلماسی می‌دانند که اگر بار دیگر مذاکراتی موفق شکل گیرد، جایگاه و استدلال‌هایشان بی‌اعتبار خواهد شد. به همین دلیل با برچسب خیانت یا وابستگی به غرب هر صدای متفاوتی را می‌کوبند. اما حقیقت این است که بدون تعامل سازنده با جهان، ایران همچنان با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دست‌وپنجه نرم خواهد کرد.

برجام با همه نقص‌ها و مشکلاتش تنها تجربه موفق کاهش تحریم‌ها بود. امروز که تهدید مکانیسم ماشه دوباره جدی شده، بیش از هر زمان دیگری نیاز به بازخوانی آن تجربه وجود دارد. روحانی و ظریف، نمایندگان یک نگاه هستند؛ گفت‌وگو به‌جای تقابل. اگر این نگاه بار دیگر در سیاست خارجی ایران تقویت شود، می‌توان امید داشت که کشور از چرخه پرهزینه تحریم و تهدید بیرون بیاید. در غیراین صورت، همان‌طور که روحانی هشدار داد، خسارت‌ها نه تنها جبران‌پذیر نخواهد بود بلکه روزبه‌روز سنگین‌تر خواهد شد.

تغییر مسیر بدهید

وزیر امور خارجه ایران با انتشار یادداشتی در روزنامه گاردین به سران سه کشور اروپایی هشدار داد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



وزیر امور خارجه با انتشار یادداشتی در روزنامه گاردین خطاب به سه کشور اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه) به آنها هشدار داد: به نفع خودتان است که مسیرتان را تغییر دهید.

سیدعباس عراقچی، وزیرخارجه کشورمان در یادداشتی برای روزنامه گاردین تاکید کرد: اگر اروپا واقعاً به دنبال راه‌حلی دیپلماتیک است و اگر ترامپ می‌خواهد، فرصت تمرکز بر مسائل واقعی که در تل‌آویو ساخته نشده‌اند را داشته باشد باید به دیپلماسی، زمان و فضای لازم را برای موفقیت بدهند. در غیر این صورت نتیجه چندان خوشایند نخواهد بود. عراقچی در این یادداشت تصریح کرد اروپا که زمانی نیرویی میانه‌رو بود و تلاش می‌کرد تا آمریکا که در منطقه ما اهداف حداکثری داشت را مهار کند، امروزه به تسهیل‌گر زیاده‌خواهی‌های واشنگتن تبدیل شده است. وی با بیان اینکه «در حالی که اروپا خود به تعهداتش عمل نکرده، انتظار دارد ایران یک‌جانبه تمامی محدودیت‌ها را بپذیرد» ادامه داد: با این ذهنیت، سه کشور اروپایی از محکوم کردن حمله آمریکا به کشور من در ماه خرداد، در آستانه

آسیا

زلزله سیاسی در ژاپن

نخست‌وزیر به دلیل ناکارآمدی اقتصادی و تورم کنار رفت

گروه بین‌الملل: شینگرو ایشیبا، نخست‌وزیر ژاپن، روز یک‌شنبه ۷ سپتامبر ۲۰۲۵ کمتر از یک سال پس از آغاز به کار، استعفای خود را اعلام کرد. کناره‌گیری او اوج یک دوره فشار شدید از سوی حزب خود، حزب لیبرال دموکرات (LDP) به دنبال مجموعه‌ای از شکست‌های انتخاباتی مهم بود. دوره نخست‌وزیری ایشیبا که از اکتبر ۲۰۲۴ آغاز شده بود با آشفتگی سیاسی و تضعیف قدرت دیرینه حزب لیبرال دموکرات همراه بود. کاتالیزور اصلی استعفای ایشیبا، عملکرد

ضعیف حزب لیبرال دموکرات در دو انتخابات مهم پارلمانی بود. اولین ضربه، مدت کوتاهی پس از روی کار آمدن او وارد شد، زمانی که انتخابات زودهنگام مجلس نمایندگان در اکتبر ۲۰۲۴ به از دست دادن اکثریت مطلق حزب و شریک ائتلافی‌اش، کومیتو، منجر شد. این اولین بار در ۱۵ سال گذشته بود که حزب اکثریت خود را در مجلس قدرتمندتر از دست می‌داد. دومین شکست، که شاید ویران‌کننده‌تر بود، در انتخابات مجلس مشاوران در ژوئیه ۲۰۲۵ رخ داد، جایی که ائتلاف حاکم بار دیگر نتوانست اکثریت را به دست آورد. این دو شکست، حزب لیبرال دموکرات را بدون اکثریت در هیچ‌یک از مجالس قانون‌گذاری قرار داد، وضعیتی بسیار غیرمعمول و متزلزل برای حزبی که تقریباً به‌طور مداوم از سال ۱۹۵۵ بر ژاپن حکومت کرده است. مسائل اقتصادی نقش مهمی در کاهش حمایت عمومی از دولت ایشیبا داشتند. با وجود تلاش‌هایی برای تحریک رشد اقتصادی، بسیاری از شهروندان ژاپنی با تورم و رکود دستمزدها مواجه بودند.

افزایش قیمت‌ها؛ هزینه‌های زندگی به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافت و اقشار کارگر و سالمند بیشترین آسیب را دیدند. واکنش منفی به سیاست مهاجرت: موضع نسبتاً آزادانه ایشیبا در قبال مهاجرت با انتقاد محافظه‌کاران مواجه شد و موجب رشد احزاب راست‌گرای پوپولیست مانند سان‌شیتو شد. توافق تجاری با آمریکا: توافق ۵۵۰ میلیارد دلاری با ایالات متحده، گرچه موفقیت دیپلماتیک محسوب می‌شد اما منتقدان آن را به نفع منافع آمریکا و فاقد مزایای فوری برای کارگران ژاپنی دانستند.

ناراضیاتی عمومی و رشد پوپولیسم

افزایش بی‌اعتمادی عمومی به حزب حاکم و دولت ایشیبا با رشد جنبش‌های پوپولیستی تشدید شد. این گروه‌ها از نگرانی‌های اقتصادی و فرهنگی به‌بربرداری کردند.

مذاکرات دیپلماتیک، خودداری کردند اما اکنون با این ادعا که ایران گفت‌وگو را رد می‌کند، خواستار تحریم‌های سازمان ملل شده‌اند. وزیر خارجه همچنین هشدار داد: برای خروج از این بازی باخت-باخت کنونی، سه کشور اروپایی باید مسیر مخرب خود را عوض کنند؛ نه به خاطر خشنود کردن ایران بلکه به خاطر خودشان و به این دلیل که قربانی کردن منافع امنیتی خود در یک پرونده، هیچ جایگاهی در مسائل دیگر برای آنها به همراه نخواهد داشت. ایران آماده است تا توافقی واقعی و پایدار شکل دهد که نظارت دقیق و محدودیت‌هایی در غنی‌سازی را در ازای لغو تحریم‌ها به همراه داشته باشد. اگر این فرصت کوتاه برای تغییر مسیر از دست برود، پیامدهایی به همراه خواهد داشت که می‌تواند برای منطقه و فراتر از آن به‌طور بی‌سابقه‌ای مخرب باشد. یادداشت وزیرخارجه به خوبی بیانگر این مساله است که تهران همچنان به مسیر دیپلماسی برای حل مسأله هسته‌ای پایبند است، حتی پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده از توافق در سال ۲۰۱۸ تهران با خویشتنداری و ارانه فرصت‌های متعدد برای احیای توافق، نشان داد که خواهان حل‌وفصل اختلافات از طریق گفت‌وگوست.

همکاری مستمر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ارائه پیشنهاد‌های فنی و سیاسی و تأکید بر حقوق مشروع هسته‌ای،

همگی گواهی بر این رویکرد مسئولانه‌اند. در مقابل، کشورهای غربی با اتخاذ سیاست‌های فشار و بی‌تعهدی عملاً مسیر دیپلماسی را تضعیف کرده‌اند. اجرای مکانیسم ماشه، که قرار بود در شرایط نقض جدی توافق فعال شود، اکنون به ابزاری سیاسی برای اعمال فشار بدل شده است. این اقدام نه‌تنها فاقد پشتوانه حقوقی است بلکه با روح توافق و اصول تعامل سازنده در تضاد کامل قرار دارد. چنین رفتاری، پیام روشنی از بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به منطق گفت‌وگو ارسال می‌کند. در شرایطی که ایران بارها بر حل‌وفصل مسالمت‌آمیز تأکید کرده، یادداشت عراقچی به طرف‌های غربی از آن جهت حائز اهمیت است که هرگونه تشدید تنش یا درگیری نظامی، مسئولیت مستقیم آن بر عهده طرف‌هایی خواهد بود که مسیر دیپلماسی را مسدود کرده‌اند. غرب باید بداند که بازی با ابزارهای فشار و تهدید نه‌تنها به نتیجه

حزب برای برگزاری انتخابات فوق‌العاده رهبری صورت گرفت؛ اقدامی که می‌توانست به‌عنوان رأی عدم اعتماد تلقی شود اما با استعفای پیش‌دستانه، ایشیبا از شکست احتمالی جلوگیری کرد.

جلوگیری از خلأ سیاسی: ایشیبا پیش‌تر با استعفا مخالفت کرده بود و بر نیاز به ثبات در شرایط بحرانی تأکید داشت. حفظ میراث سیاسی: با کناره‌گیری داوطلبانه، ایشیبا تلاش کرد تا میراث خود را حفظ کرده و نفوذش در حزب را حفظ کند. در اعلام استعفای خود، ایشیبا اظهار کرد که احساس می‌کند اکنون که مذاکرات تعرفه با ایالات متحده به «نقطه عطفی مهم» رسیده است «لحظه مناسبی برای کناره‌گیری» است. یک تفاهم‌نامه امضا شده بود که سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در ایالات متحده را در ازای کاهش تعرفه‌ها مشخص می‌کرد. در حالی که او کناره‌گیری خود را به عنوان تصمیمی مسئولانه پس از انجام یک وظیفه کلیدی بیان کرد، واضح بود که شکست‌های سیاسی و فشار داخلی، نیروهای محرک واقعی بودند. دوره کوتاه ۱۱ ماهه او، سقوطی سریع و دردناک برای سیاستمداری بود که بالاخره در پنجمین تلاش خود به هدفش برای رسیدن به نخست‌وزیری دست یافته بود. استعفای ایشیبا، سیاست ژاپن را وارد مرحله جدیدی از عدم قطعیت کرده است. حزب لیبرال دموکرات، که اکنون در هیچ‌یک از مجالس اکثریت ندارد، باید انتخابات جدیدی برای انتخاب جانشین او برگزار کند. انتظار می‌رود این رقابت شدید

باشد زیرا چندین چهره برجسته از جمله سانه تاکیچی، وزیر محافظه‌کار سابق امنیت اقتصادی و شینجیرو کویزومی در حال حاضر برای کسب این موقعیت تلاش می‌کنند. رهبر بعدی با وظیفه دشوار اداره یک حزب متلاشی و یک دولت اقلیت روبه‌رو خواهد بود که برای تصویب قوانین، نیاز به همکاری با احزاب مخالف دارد. این بی‌ثباتی سیاسی در مقطعی چالش‌برانگیز برای ژاپن رخ می‌دهد زیرا این کشور در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات اقتصادی، تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و نیاز به بازگرداندن اعتماد عمومی به حزب حاکم دیرینه خود است که اخیراً درگیر یک رسوایی جمع‌آوری کمک مالی نبوده است. اگرچه دوران نخست‌وزیری ایشیبا کوتاه بود اما اهمیت آن در آشکار کردن نیاز به رهبری پاسخ‌گو و فراگیر قابل توجه است. با انتخاب رهبر جدید، آینده سیاست ژاپن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما فرصتی برای نوسازی و اصلاح نیز فراهم شده است.



مطلوب نخواهد رسید بلکه منطقه را در آستانه بحرانی گسترده قرار خواهد داد. پیامدهای چنین درگیری‌ای، فراتر از مرزهای ایران خواهد بود و امنیت جهانی را نیز تهدید خواهد کرد. پرونده هسته‌ای ایران امروز به آزمونی برای عقلانیت سیاسی غرب بدل شده است. ایران همچنان بر گفت‌وگو، تعامل سازنده و راه‌حل‌های دیپلماتیک تأکید دارد؛ رویکردی که نه از سر ضعف بلکه از درک عمیق نسبت به پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی و مسئولیت‌پذیری در قبال صلح منطقه‌ای است. اکنون این غرب است که باید میان ادامه مسیر تقابل یا بازگشت به منطق گفت‌وگو یکی را انتخاب کند. انتخابی که پیامدهای آن نه‌تنها برای ایران بلکه برای کل جهان تعیین‌کننده خواهد بود. اگر غرب خواهان ثبات، امنیت و تعامل سازنده در خاورمیانه است باید به جای مکانیسم ماشه به مکانیسم اعتماد بازگردد.

خاورمیانه

ضربه شست انصارالله به اسرائیل

فرودگاه «رامون» هدف حمله پهپادی قرار گرفت

رسانه‌های عبری گزارش دادند که یک پهپاد یمنی به فرودگاه «رامون» واقع در شهر النقب در اراضی اشغالی اصابت کرده است. به گفته سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی، این پهپاد از خاک یمن شلیک شده و موجب بسته شدن حریم هوایی جنوب سرزمین‌های اشغالی بر فراز فرودگاه رامون شده است. برخی منابع عبری نیز از زخمی شدن چند نفر در پی انفجار این پهپاد خبر داده‌اند. «فرودگاه رامون» در جنوب سرزمین‌های اشغالی واقع شده و چسبیده به مرزهای اردن است. اهمیت این فرودگاه نظامی در زمان‌های خاص کارکردی غیرنظامی یافته و به‌عنوان جایگزین «فرودگاه بن‌گورین» عمل می‌کند. اهمیت دیگر این واقعه، عبور مجدد پهپادهای یمنی از تور پدافندی دشمن پس از مدت‌هاست. برای مدت‌ها به دلیل نرخ بالا و مطلق رهگیری پهپادها، یمن به تعداد اندک و برای مشغول‌سازی و آزار دشمن پهپاد پرتاب می‌کرد اما واقعه دیروز نشان داد که امکان استفاده عملیاتی از آنها فراهم شده است. بنابر گزارش‌ها از ۳ پهپاد پرتاب شده ۲ پهپاد به هدف اصابت کرده‌اند.

در همین حال، رسانه‌های عبری اذعان کرده‌اند که عملیات ترور نخست‌وزیر و چند وزیر دولت یمن در روزهای اخیر نه‌تنها مانع ادامه حملات موشکی انصارالله نشده بلکه موجب تشدید آنها نیز شده است. تحلیل‌های منتشر شده و اظهارات فرماندهان نظامی اسرائیل نشان می‌دهد که تل‌آویو با بحرانی پیچیده و مشابه تجربه شکست‌خورده آمریکا در منطقه مواجه شده است. بر اساس گزارش‌ها، موشک‌های یمنی به چالشی فراینده برای اسرائیل تبدیل شده‌اند. یک مقام اطلاعاتی اسرائیلی اعتراف کرده است که زرادخانه موشکی یمن با سرعتی بالا در حال توسعه و ارتقااست. موقعیت جغرافیایی یمن، تحرک بالای سکوهای پرتاب، ساختار قبیله‌ای و پراکندگی انبارها و تجهیزات نظامی، شناسایی و هدف‌گیری آنها را برای اسرائیل دشوار کرده است. همچنین فاصله زیاد مراکز جاسوسی اسرائیل از یمن، توانایی شنود، رصد و رهگیری مستقیم را به‌شدت کاهش داده است.



گنجینه آستین

حراجی ساتییز سه گنجینه مربوط به **جین آستین** را در دویست‌وپنجاهمین سال گرد تولدش به مزایده می‌گذارد



سه گنجینه نادر مربوط به «جین آستین» در اکتبر امسال به‌عنوان بخشی از یک فروش ویژه که به زنان خلاق در سراسر تاریخ اختصاص داده شده است توسط حراجی «ساتییز» واقع در نیویورک حراج می‌شوند. هم‌زمان با موجی از نمایشگاه‌ها در سراسر ایالات متحده و بریتانیا که دویست‌وپنجاهمین سالگرد تولد این رمان‌نویس محبوب انگلیسی در سال ۱۷۷۵ را جشن می‌گیرند، حراجی پیش‌رو گنجینه‌ای از جهان آستین از جمله نامه‌ای که به خواهر و محرم اسرارش، کاساندررا نوشته و یک نسخه منحصربه‌فرد از رمان «ایما» را ارائه خواهد کرد.

آفریده یک بانو

کالیکا سندنز، رئیس بخش کتاب‌ها و دست‌نوشته‌های قاره آمریکا در حراجی «ساتییز» گفت: «این مجموعه خارق‌العاده از آثار، آستین را در تمام جنبه‌هایش یعنی از شوخ‌طبعی و طنز زیرکانه در اشعار خصوصی‌اش گرفته تا نگاه‌های صمیمی به زندگی روزمره که در نامه‌هایش ثبت شده است، برای مخاطبان آشکار می‌کند.»

این حراجی مهم‌ترین مجموعه از اشیا مربوط به آستین را که تاکنون به حراج گذاشته شده است شامل می‌شود. «آفریده یک بانو» (By a Lady) عنوان مزایده آنلاین گنجینه آثار جین آستین است که از ۱۵ اکتبر توسط حراجی «ساتییز» برگزار می‌شود. بیشتر قطعات هنوز اعلام نشده‌اند اما آن‌ها اشیاء مربوط به دستاوردهای ادبی و هنری زنان در سراسر تاریخ، در دسته‌هایی شامل جواهرات و عکاسی خواهند بود.

یکی از اشیاء باارزش این مزایده، نامه‌ای است که از جین آستین به خواهرش کاساندررا که محرم دل او و هنرمندی بالاستعداد بود، نوشته شده است. این نامه که در ۱۱ آوریل ۱۸۰۵ نوشته شده، یکی از حدود ۱۶۰ نمونه کشف شده از مکاتبات صمیمی و مداوم این دو خواهر است و نگاهی کمیاب به دنیای خصوصی خود نویسنده ارائه می‌دهد. این نامه در طول اقامت در «باث» نوشته شد. طرفداران جین آستین در این نامه چهار صفحه‌ای سالم مملو از حکایات دربارهٔ دیدار با دوستان و برخوردهای اتفاقی با آشنایان، استعداد او را در مشاهدات اجتماعی شوخ و نافذ خواهند شناخت. کاساندررا، که نزدیک به سه دهه بیشتر از خواهر کوچک‌ترش عمر کرد، به‌دلیل تصمیمش برای نابودی بخش عمده‌ای از مکاتباتش با جین در تاریخ ادبی چهره‌ای مبهم است. بنابراین، آن نامه‌هایی که او انتخاب کرد تا حفظ‌شان کند، اهمیت تاریخی خاصی دارند.

در حالی که بسیاری از نامه‌ها در مجموعه‌های موسسه‌ای مانند «خانهٔ جین آستین» در همپشایر، «کتاب‌خانه‌های بودلیان» (Bodleian) در آکسفورد و «موزه و کتاب‌خانهٔ مورگان» در نیویورک نگهداری می‌شوند، نامه‌های این رمان‌نویس گاهی در حراجی‌ها ظاهر می‌شوند. در سال ۲۰۱۹ میلادی، یک نامه به کاساندررا در یونهایم نیویورک به قیمت ۲۰۰،۰۷۵ دلار فروخته شد که بسیار بالاتر از برآورد ۱۲۰،۰۰۰ دلاری‌اش بود. در سال ۲۰۱۷ یک نامه به آنا لوفروی، خواهرزاده آستین، در ساتییز لندن به قیمت ۱۶۲،۵۰۰ پوند (۲۰۹،۳۰۰ دلار) فروخته شد. پیش‌بینی می‌شود، نامه‌ای که ماه آینده با برآورد ۳۰۰،۰۰۰ تا ۴۰۰،۰۰۰ دلار به فروش خواهد رسید باارزش‌ترین نامه

آستین باشد که تاکنون به حراج گذاشته شده است. دیگر اثر برجسته این حراجی یک نسخهٔ اول منحصربه‌فرد از کتاب «ایما» است که آستین شخصا آن را برای ماریا اجورث، نویسنده ایرلندی، فرستاد که تنها نمونه کشف شده از اثر خودش است که آستین آن را با یک هم‌رده به اشتراک گذاشته است. این رمان در اصل در سال ۱۸۱۶ در سه جلد در یک چاپ محدود منتشر شد. این نسخه که تنها جلدهای نخست و سوم آن باقی مانده‌اند به‌طور استثنایی کمیاب است چراکه تنها نسخه شناخته‌شده‌ای است که در جلدهای نرم اصلی‌اش (یک سبک کتاب‌سازی قدیمی) باقی مانده است. «آفریده یک بانو» همچنین شامل ۶ نسخه اول از دیگر رمان‌های «آستن» خواهد بود که برآورد ترکیبی آن‌ها ۹۶۰،۰۰۰ تا ۱،۳ میلیون دلار است.

جین آستین (زادهٔ ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵ و درگذشتهٔ ۱۸ ژوئیهٔ ۱۸۱۷) نویسندهٔ قرن نوزدهم انگلیسی است که آثارش ادبیات غرب را سخت تحت‌تأثیر قرار داد. شناخت او از زندگی زنان و مهارتش در گوشه و کنایه‌ها، او را به یکی از مشهورترین رمان‌نویسان عصر خود تبدیل کرده است. جین آستین چند سالی از عمر خود را در شهر باث سپری کرد و این شهر به عنوان محل اقامت او مشهور است. موسسه‌ای به نام «مرکز جین آستین» در مرکز شهر باث وجود دارد که هر سال جشنواره‌ای به نام جشنوارهٔ جین آستین در این شهر برگزار می‌کند. جین آستین با نگارش چهار رمان «عقل و احساس»، «غرور و تعصب»، «منسفیلد پارک» و «ایما» بین سال‌های ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۶ نام خود را به عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک به ثبت رساند. او با خواندن کتاب‌های متفاوت یاد گرفت از چه چیزهایی پرهیز کند تا داستان‌هایش جالب و خواندنی شوند. به همین دلیل سبک جین آستین در شیوهٔ نگارش منحصر به فرد است و صدای راوی رمان را با عمیق‌ترین احساسات شخصیت‌های قصه پیوند می‌زند. به طوری که با خواندن داستان‌های او می‌توان با جای پای شخصیت‌های رمان‌هایش گذاشت. جین آستین اغلب زنان نویسندهٔ هم‌رده‌اش را به خاطر سبک دراماتیک و خسته‌کنندهٔ قصه‌های عاشقانه در رمان‌های‌شان دست می‌انداخت. نکتهٔ جالب این‌که او در طول دوران حیاتش، کتاب‌های خود را بدون نام منتشر می‌کرد و کسی هویت نویسندهٔ این کتاب‌ها را نمی‌دانست.

در سال ۱۸۱۷ در حالی که جین آستن نگارش کتاب «ساندیتون» را به علت بیماری نیمه‌کاره رها کرده بود حالش رو به وخامت گذاشت و سرانجام در ۱۸ ژوئیه ۱۸۱۷ در ۴۱ سالگی درگذشت و در کلیسای وینچستر به خاک سپرده شد. به‌رغم تلاش‌های مورخان هنوز علت مرگ او مشخص نشده است. جین آستین در محیطی نسبتاً منزوی زندگی کرد و اوقات خود را بیشتر به نوشتن گذراند. به نظر تقادان، او نبوغی دووجهی داشت: هم طنز قدرتمندی داشت و هم اخلاقیات و روحيات آدم‌ها را خوب می‌شناخت. رمان‌های جین آستین از پرخواننده‌ترین آثار در ادبیات جهان‌اند و حدود ۲۰۰ سال است که نسل‌های پیاپی با کشش و علاقهٔ روزافزون رمان‌های او را می‌خوانند. با گذشت حدود ۲۰۰ سال از مرگ جین آستن، عکس او روی اسکناس ۱۰ پوندی جدید بریتانیا چاپ شد تا نشانی باشد از تأثیری که او از خود به جای گذاشته است.

علیه سکوت و سانسور

سانسور نسل کشی رژیم صهیونیستی در رسانه‌ها و دانشگاه‌های غربی دو محور رمان تازه **رنده عبدالفتاح** است

رنده عبدالفتاح، نویسندهٔ استرالیایی فلسطینی‌تبار می‌گوید، رمان تازه‌اش «انضباط» را بر محور سانسور در دانشگاه‌ها و رسانه‌ها نوشته است؛ سانسوری که نقد سیاست‌های اسرائیل را هدف می‌گیرد. در ابتدای کتاب نوشته: «این کتاب را به استادان و روزنامه‌نگاران فلسطینی که در غزه به قتل رسیدند تقدیم می‌کنم؛ کسانی که اگر همتایان‌شان در غرب وقتی فرصت داشتند می‌ایستادند و می‌نوشتند، امروز هنوز زنده بودند.»

دو میدان اصلی سانسور: دانشگاه و رسانه

رمان «انضباط / Discipline» داستان یک روزنامه‌نگار و یک استاد دانشگاه را روایت می‌کند که در پی موج سانسور پس از جنگ اسرائیل علیه غزه به دنبال راهی برای بیان حقیقت می‌گردند؛ تجربه‌ای که خود نویسنده نیز با آن ییگانه نیست. در سال ۲۰۲۱ هنگامی که رنده عبدالفتاح نوشتن تازه‌ترین رمانش را آغاز کرد از خود می‌پرسید، آیا داستانی دربارهٔ خشونت دولتی، حق اعتراض و نژادی‌سازی جوانان عرب در استرالیا هم‌چنان اثربخش خواهد بود یا نه. او می‌گوید: «بعد از ۱۱ سپتامبر سوءظن به جامعهٔ عرب- به‌خصوص مردان جوان مسلمان- از سوی رسانه‌ها و سیاست به یک واقعیت روزمره تبدیل شد. همین تجربه‌ها را سال‌ها پژوهش کرده بودم و نتیجه‌اش کتاب غیرداستانی «بلوغ در جنگ با ترور» در سال ۲۰۲۲ بود. اما حس می‌کردم این موضوع از رادار افکار عمومی خارج شده. حتی در سپتامبر ۲۰۲۳ از ناشرم پرسیدم آیا اصلاً بازاری برای چنین کتابی باقی مانده یا نه. بعد اکتبر پیش آمد و راستش داستان دیگر نمی‌توانست با واقعیت رقابت کند.»

منظور عبدالفتاح، حملهٔ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس و «نسل‌کشی اسرائیل در غزه» پس از آن است. تماشای تصاویر و اخبار بمباران‌های بی‌وقفه غزه روند خلافتانه او را متوقف کرد: «نمی‌توانستم ادامه بدهم. هر آن‌چه روی آن کار کرده بودم در برابر آن‌چه در واقعیت می‌گذشت، رنگ می‌باخت. ولی ماه‌ها بعد، دیدن سرکوب‌فراینده اعتراضات و محدود شدن آزادی بیان باعث

شبکه‌خانگی

بی‌رونی رثائیته شوها

برنامه‌هایی که دیگر جذابیت زیادی در شبکه خانگی ندارند

«طناز» با میزبانی کمال تبریزی و «پشگو» با میزبانی پژمان جمشیدی نمونه‌ای از این برنامه‌ها بودند که در آغاز تماشاگران بسیاری به پای آن نشستند و ویدئوهای کوتاه آن در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد. تب اینگونه برنامه‌ها آنقدر زیاد بود که پشت سر هم تولید می‌شد و کار به جایی رسیده بود که مهمانان آنها تکراری شده و برخی از چهره‌های شناخته شده با فاصله کم از این برنامه به آن برنامه دعوت می‌شدند. اما حالا مدتی است که دیگر خبری از این برنامه‌های پرطرفدار حداقل در شبکه خانگی نیست. افرادی مانند منصور ضابطیان همچنان برنامه‌های گفت‌وگو محوری تولید می‌کنند که مخاطبان‌شان به پای برنامه‌های قبلی نمی‌رسد و انگار دیگر هیچ سلبریتی تمایلی به تولید و یا رفتن به این برنامه‌ها ندارد. چراکه از فرط تکرار از جذابیت خالی شدند و دیگر نه حرف جذابی برای گفتن باقی مانده و نه هنرمند دیده نشده‌ای که به این برنامه‌ها دعوت نشده باشد. در



گلاویز نادری

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

در سال‌های اخیر تب تاک‌شوها، شبکه نمایش خانگی را پر کرده است. برنامه‌هایی که با سرمایه‌ای نه چندان زیاد تولید می‌شدند اما تماشاگران‌شان حتی از سریال‌های این شبکه هم بیشتر بود. آن دوره تازه شبکه نمایش خانگی داشت همه‌گیر می‌شد و بسیاری از سلبریتی‌ها به جای اینکه برای بازی در سریال‌ها قرارداد ببندند به این برنامه‌ها روی می‌آوردند و با نشستن پشت یک میز و دعوت از همکاران خود برنامه‌ای می‌ساختند که هم برای مردم تماشایی بود و هم مدیران پلتفرم‌ها را راضی می‌کرد. تاک‌شوهایمانند «هم‌رفیق» با میزبانی شهاب حسینی،





سال هشتم شماره ۲۰۵۷
دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

سینمای جهان

جایزه لعنتی!

جارموش شیرطلایی ونیز را با خود برد

همچنان طنین انداز خواهد ماند. ما به قدرت سینما باور داریم؛ چیزی که امشب ما را گردهم آورده و شجاعت روایت داستان‌هایی را به ما می‌دهد که شاید در غیر این صورت به خاک سپرده می‌شدند. سینما نه می‌تواند «هند» را بازگرداند و نه می‌تواند چنانی که علیه او انجام شد را پاک کند. هیچ چیز نمی‌تواند آنچه که از بین رفته را جبران کند. اما سینما می‌تواند صدای او را حفظ کند و آن را فراتر از مرزها طنین‌انداز کند چراکه داستان او فقط متعلق به خودش نیست، این داستان غم‌انگیز یک ملت است که زیر بار نسل‌کشی رژیم جنایتکار اسرائیل با مصونیت از مجازات، رنج می‌کشد.»

چند برنده دیگر نیز در طول شب پیام‌های مشابهی دادند از جمله تونی سرویلو بازیگر ایتالیایی (برنده بهترین بازیگر مرد برای فیلم لا گراتریا)، لونا ودلر بازیگر فیلم «دوست ساکت» (برنده جایزه مارچلو ماسترویانی برای بهترین بازیگر جوان نوظهور) و مریم توزانی کارگردان مراکشی (برنده جایزه مخاطبان برای فیلم خیابان مالاگا).

توزانی هنگام دریافت جایزه گفت: «لذتی که امروز حس می‌کنم، عمیق است اما دردی که همزمان احساس می‌کنم نیز عمیق است. من هم مانند بسیاری دیگر نمی‌توانم وحشتی را که هر ثانیه با مصونیت بر مردم غزه و فلسطین تحمیل می‌شود، فراموش کنم. به‌عنوان یک مادر، امشب خود را خوشبخت می‌دانم که می‌توانم هنگام سخن گفتن به چشمان فرزندم نگاه کنم. اما چه تعداد مادر، فرزند از دست داده‌اند؟ چه تعداد کودک بی‌مادر و بی‌پدر شده‌اند و همه چیزشان را از دست داده‌اند؟ تا چه زمانی این وحشت ادامه خواهد داشت؟ بله، ما اشک‌هایمان را پاک می‌کنیم و ادامه می‌دهیم اما حاضر نیستیم انسانیت‌مان را از دست بدهیم. من افتخار می‌کنم که بخشی از جشنواره‌ای هستم که این چنین دیگر و متعهد است». در آغاز مراسم نیز «انو پرنا روی» کارگردان هندی (برنده جایزه بهترین کارگردانی در بخش «افق‌ها» برای فیلم آوازهای درختان فراموش شده) از فلسطین دفاع کرد و گفت: «هر کودکی سزاوار صلح، آزادی و رهایی است و فلسطینی‌ها استثنائاً نیستند. امروز مسئولیت داریم در کنار فلسطین بایستیم». و در نهایت، جایزه بزرگ، شیر طلایی به «پدر، مادر، خواهر، برادر» اهدا شد و جارموش، کارگردان مشهور با عینک آفتابی همیشگی خود و کت و شلوار زرشکی، جایزه را با گفتن یک «لعنتی» دریافت کرد. جارموش ادامه داد: ما به عنوان فیلمساز، انگیزه رقابت نداریم اما این چیزی است که واقعاً از آن قدردانی می‌کنم.

او به عشق خود به ونیز، «شهر کازانووا» و یوآلدی و ترنس هیل» اشاره کرد و از هیأت داوران و تماشاگران برای واکنش به این فیلم آرام تشکر کرد. جارموش همچنین با اشاره به سخنرانی سفیدی که پیش از این ایراد شده بود، گفت: هنر برای سیاسی بودن لازم نیست مستقیم به سیاست بپردازد. هنر می‌تواند همدلی ایجاد کند که اولین قدم برای حل مشکلات ماست. شبیه این هفته شایعاتی در رسانه‌های اجتماعی پخش شد مبنی بر اینکه در هیأت منصفه بر سر اهدای شیر طلایی تنش وجود داشته و برخی ادعاهای بی‌اساس مبنی بر اینکه یکی از اعضای هیأت منصفه وقتی مشخص شد «صدای هند رجب» برنده شیر طلایی نخواهد شد، تهدید به استعفا کرد. الکساندر پین رئیس هیأت داوران با رد این شایعات گفت: «ما هر دو فیلم را به یک اندازه گرامی می‌داریم، هر یک به دلیل خاص خود و برای هر دو فیلم آرزوی عمری طولانی داریم و امیدواریم جوایزی که امشب اهدا کرده‌ایم به هر یک به روش خود، کمک کند.»

اختتامیه هشتادودمین جشنواره فیلم ونیز، شبی درخشان برای سینمای جهان بود؛ شبی که در آن «باشو، غریبه کوچک» بهرام بیضایی به‌عنوان بهترین فیلم مرمت شده دوباره بر پرده درخشید، «صدای هند رجب» کوثر بن‌هنیه با جایزه بزرگ هیأت داوران به نمادی از مقاومت فلسطین بدل شد، شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی هم به بنی سفدی برای «ماشین کوبنده» رسید و جیم جارموش با دریافت شیر طلایی و خطاب قرار دادن این جایزه با عنوان «لعنتی» برای «پدر، مادر، خواهر، برادر» بار دیگر جایگاه خود را در تاریخ سینما تثبیت کرد. مراسم اختتامیه که در کاخ سینمای لیدو برگزار شد، نقطه اوج ۱۰ روز رقابت میان فیلمسازان مطرح از سراسر جهان بود؛ جایی که شیر طلایی و دیگر جوایز مهم به آثار و هنرمندانی رسید که حالا می‌توانند، مسیر خود را به سمت اسکار هموارتر ببینند. از اقتباس ریه‌های گی‌رمو دل‌تورو از «فرانکشتاین» گرفته تا تریلر سیاسی کاترین بیگلو، کمدی سیاه پارک‌چان-ووک و بازی متفاوت دواین جانسون در درام ورزشی «ماشین کوبنده»، ونیز امسال پر از فیلم‌هایی بود که نامشان در ماه‌های آینده بارها شنیده خواهد شد.

نسخه مرمت شده فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی امسال در بخش کلاسیک جشنواره ونیز به نمایش گذاشته شد و در نهایت جایزه بهترین فیلم این بخش را کسب کرد. این فیلم محصول ۱۹۸۶ که توسط استودیو روشنا با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرمت شده و توسط کمپانی فرانسوی (Films mk۲) در جشنواره ونیز ارائه شد. محمد رسول‌اف، کارگردان ایرانی و عضو هیأت داوران هشتادودمین جشنواره ونیز روز شنبه با حضور در اختتامیه این جشنواره، پیام آقای بیضایی را قرائت کرد. بیضایی در این پیام نوشت: «درست ۴۰ سال از فیلمبرداری «باشو، غریبه‌ای کوچک» در شمال و جنوب ایران می‌گذرد. تابستان گرمی بود مثل همین روزها و هر حرفی که در آن روزها جنگ را نمی‌ستود به تهدید و قویاً ممنوع بود. ولی آیا پناه دادن به یک کودک مهاجر جنگ‌زده هم ممنوع بود؟ با این فیلم همکاران ریشه کار مرا در کانون زدند. فیلم نزدیک به چهار سال کنار گذاشته شد ولی امروز بعد از ۴۰ سال با کمال فروتنی به همه قربانیان آن جنگ ۸ ساله بی‌معنا درود می‌فرستم و نفرین می‌مانم به همه سوبران هر جنگی».

«صدای هند رجب» جایزه بزرگ هیأت داوران را دریافت کرد. کوثر بن‌هنیه کارگردان تونسسی فیلم، سخنرانی پرشوری ایراد و ابتدا جایزه را به هلال احمر فلسطین و دیگر «قهرمانان» در تیم‌های کمک‌های اضطراری تقدیم کرد. این کارگردان تونسسی در زمان دریافت شیر نقره‌ای جایزه بزرگ هیأت داوران برای فیلم «صدای هند رجب» صریح‌ترین موضع‌گیری را داشت. این فیلم که روایت شهادت هند رجب ۶ ساله است دختری که به همراه خانواده‌اش در اوایل ۲۰۲۴ هنگام فرار از شهر غزه هدف تیراندازی نیروهای اسرائیلی قرار گرفت، هفته گذشته جشنواره ونیز را تکان داد و رکورد ۲۳ دقیقه و ۴۰ ثانیه تشویق ایستاده را ثبت کرد.

بن‌هنیه پس از دریافت جایزه در مراسم گفت: «این جایزه را به هلال احمر فلسطین و همه کسانی که برای نجات جان‌ها در غزه همه چیزشان را به خطر انداخته‌اند، تقدیم می‌کنم. آنها قهرمانان واقعی هستند. صدای «هند» (شخصیت فیلم) صدای خود غزه است؛ فریادی برای نجات که تمام جهان شنید اما هیچ‌کس پاسخی نداد.» او افزود: «صدای او تا زمانی که عدالت محقق نشود،



در حبس‌اند. رآوی شوخ‌وشنگ رمان، دختر نوجوانی به اسم «حیات» در خلال ماجراجویی‌های خواندنی و نوجوانانه‌اش، جزئیات زندگی روزمره در سرزمینی اشغالی را روایت می‌کند: مصیبت سفر از شهری به شهر دیگر با وجود بازرسی‌های فراوان، توحش سربازان اسرائیلی، منع مکرر رفت‌وآمد و سرکوب مردمی که بدبهی‌ترین حق‌شان زیستن در سرزمین مادری است.

مورد تحسین منتقدان

رنده عبدالفتاح، زاده ۱۹۷۹ در سیدنی، استرالیاست. در ملبورن و یکتوریا بزرگ شد و در یک مدرسه ابتدایی کانولیک و کالج متوسطه اسلامی تحصیل کرد و مدرک بین‌المللی گرفت. اولین رمانش «بهم میاد؟» سال ۲۰۰۵ منتشر شد. رنده در نوجوانی داستان کوتاه می‌نوشت و اولین پیش‌نویس «بهم میاد؟» را در ۱۸ سالگی نوشت. «بهم میاد؟» داستان زندگی دختر مسلمان استرالیایی است که تصمیم می‌گیرد برای همیشه یک مسلمان محجبه شود و با واکنش‌های متفاوتی از طرف اطرافیان مواجه می‌شود لذا واکنش افراد مختلف به طرز زیبایی در این کتاب نسبت به حجاب به تصویر کشیده شده است. کتاب‌های رنده عبدالفتاح جوایز متعددی برده‌اند، از جمله دو رمانش به نام‌های «سرم این تو بزرگ به نظر می‌آد؟» و «آده چیزی که از آن متنفرم». رنده در معرفی خود گفته: «مسلمان‌زاده استرالیای فلسطینی- مصری معتاد به شکلات.» او از فعالان «انجمن ائتلاف مذاهب» و عضو «ائتلاف صلح عدالت» در فلسطین است. عبدالفتاح به وکالت هم می‌پردازد و با همسرش، ابراهیم و دو فرزندشان در سیدنی زندگی می‌کند. آثارش در سراسر دنیا تحسین شده‌اند. رنده چند سال پیش جایزه «کاتلین میچل» -جایزه ادبی دوسالانه‌ای برای قدردانی از آثار برجسته نویسندگان زیر ۳۰ سال- را از آن خود کرده بود.

انجام و منتشر می‌شد. هریک از پلنفرها در هفته چند رئالیتی شو داشتند که مورد توجه هم قرار می‌گرفت و برای تماشاگری که دیگر از تلویزیون هم دست شسته بود، تماشا‌ای این برنامه‌ها جذابیت داشت. اما تولید چنین برنامه‌هایی هم آنقدر به تکرار افتاد که خالی از جذابیت و خلاقیت شد. مافیا و شباه‌های مافیا و... دیگر خریدار چندانی ندارد. حتی «جوکر» هم در فصل اول تماشاگران بسیاری داشت به مرور در فصل‌های بعد با ریزش مخاطب روبه‌رو شد و این برنامه هم با وجود تمامی تمهیداتی که علی‌حانه‌ی و تیمش ترتیب داده بودند به تکرار افتاد. رفته رفته شرکت‌کنندگان در این برنامه هم تکراری شدند و چهره‌های تازه «جوکر» کاهش پیدا کردند.

«شام ایرانی» هم از چنین سرنوشتی مستثنا نبود. چهره‌های شرکت‌کننده در آن تکراری شدند و آنقدر این برنامه تولید و پخش شد که از جذابیت اولیه خبری نبود. در واقع بیشتر از آنکه نسخه کامل این برنامه در شبکه خانگی دیده شود، ویدئوهای کوتاه آن در فضای مجازی دیده می‌شد و همه اینها به خاطر این بود که آنقدر در تولید آن افراط صورت گرفته بود که برای مخاطب چیز تازه‌ای نداشت. همان شرکت‌کنندگان همیشگی با همان درگیری‌ها و دعوای همیشگی. آنقدر خانه و فضای شخصی سب‌ریتی‌ها دیده شد که تماشاگر کنج‌کاو‌ای برای تماشا‌ی آن ندارد و این برنامه هم از فرط تکرار نخنما شده و دیگر آنقدرها هم برای مخاطب جذابیت ندارد.

با اینکه در دوره‌ای، تعداد تاک‌شو‌ها و رئالیتی‌شو‌های شبکه خانگی به عدد قابل توجهی می‌رسید اما حالا هرچه می‌گذرد، تولید چنین برنامه‌هایی کاهش پیدا می‌کند چراکه هم مدیران پلنفرها و هم سازندگان آن به خوبی می‌دانند که چیز تازه‌ای برای ارائه ندارند. وقتی تعداد تماشاگر و وایچ‌تایم یک برنامه پایین بیاید، زنگ خطر برای مدیران پلنفرم و تولیدکنندگان زده می‌شود و آنها آشکارا می‌فهمند که نمی‌توانند دیگر برای چنین برنامه‌هایی هزینه کنند. از آنجا که هزینه تولید این برنامه‌ها بسا حضور چهره‌های شناخته شده کم نیست، ترجیح‌شان این است که دست به تولید آن نزنند. با این اتفاق حیات پلنفرهای مختلف به خطر افتاده است. تعدادی از آنها که توانایی تولید سریال ندارند با ساخت رئالیتی‌شو سراپا مانده بودند که حالا دیگر تماشاگران چنین برنامه‌هایی آنقدرها نیست که ادامه حیات یک پلنفرم را تضمین کند.

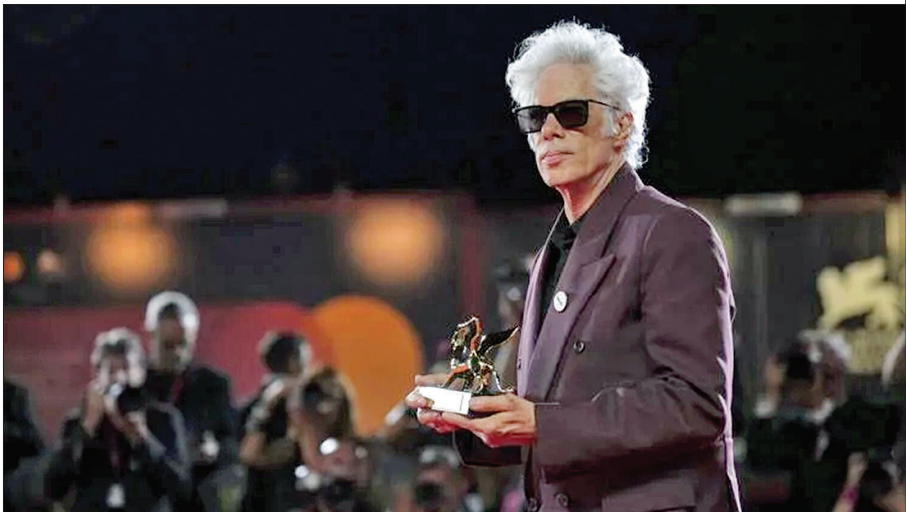
این سرنوشت محتوم پلنفرهایی است که بدون داشتن استراتژی و چشم‌اندازی درست از آینده دست به تولید بی‌رویه برنامه‌هایی می‌زنند که در دوره‌ای پرمخاطب به حساب می‌آیند. مدیران ناکاربلد و جوگیر که تنها به جذب مخاطب و سرمایه می‌اندیشند به این فکر نمی‌کنند که تکرار و افراط در تولید برنامه‌های پرمخاطب، نتیجه عکس خواهد داد و این برنامه‌ها را از سکه خواهد انداخت. این وضعیتی است که همین حالا گریبانگیر پلنفرم‌های شبکه خانگی شده و بعید است بتوان راه علاجی برای آن پیدا کرد.

روایت را عاملدانه هم‌زمان با رویداد مه ۲۰۲۱ و قیام رمضان انتخاب کردم چون می‌خواستم بفهمم اگر پنج سال پیش جامعه جهانی با خشونت اشغال روبه‌رو می‌شد، آیا امروز به این نقطه می‌رسیدیم یا نه. «رمان پر است از اشاره به وقایع، مکان‌ها و شخصیت‌های واقعی: از نبرد مونا و محمد الکرد در محله شیخ جراح تا «دکترین ضاحیه» اسرائیل و اردوگاه پناهندگان عین‌الحلوه در جنوب لبنان. این ارجاعات برای کسانی که با تاریخ و بستر سیاسی فلسطین آشنا هستند، لایه معنایی بیشتری می‌آورند و برای مخاطبان تازه، آموزشی هستند. در عین حال بستر اصلی داستان در غرب سیدنی است و لحن آن با لحظات طنز و بازیگوشی، واکنش‌های بعضی سازمان‌های مسلمان به بحران‌های رسانه‌ای و احساسات متناقض جامعه عرب استرالیایی- میان شوخی و غم- را بازتاب می‌دهد. عبدالفتاح به صراحت می‌گوید: «این کتاب را برای جامعه خود نوشتم. بر خلاف آثار قبلی‌ام، دیگر هیچ علاقه‌ای به جلب نظر و نگاه سفیدپوستان ندارم.» او الهام شخصیت «هانا» را از روایت‌های واقعی روزنامه‌نگاران گرفت؛ کسانی که تجربه نژادپرستی، سانسور و بی‌تفاوتی نسبت به فلسطین را در اتاق‌های خبر با او در میان گذاشتند. خودش برای خلق «اشرف» به تجربه‌های شخصی‌اش در دانشگاه رجوع کرد و می‌گوید این کار برایش «شکل درمان» بوده است. رنده عبدالفتاح اذعان می‌کند، فعالیت‌هایش علیه صهیونیسم در دو سال گذشته دشمنان بانفوذی برایش ساخته اما ماجرای شهر بندیکو را «نقطه عطفی در همبستگی» می‌داند: «حمایتی که دیدم، خودجوش بود؛ من از کسی نخواستم بوم اما مردم پیش‌قدم شدند.»

او پیش‌تر در رمان «آنجا که زمانی خیابان‌ها نامی داشتند» هم سرگردانی سه نسل از فلسطینیان را روایت کرده بود که به اجبار اشغال‌گران از سرزمین مادری رانده شده‌اند و در گوشه محدودی از وطن‌شان گویی

واقع افراط در تولید این تاک‌شو‌ها آنقدر بود که آن را از هر خلاقیتی خالی کرد و به ورطه تکرار افتاد. پیش از این هنرمندانی مانند مه‌ران مدیری در تلویزیون چنین برنامه‌هایی را تولید کرده بود که تماشاگرانش، قابل مقایسه با برنامه‌های موفق شبکه خانگی هم نبود. اما واقعیت این است که این شبکه به لحاظ تماشاگر و تعداد بیننده، رقم ثابت و قابل پیش‌بینی دارد و آنقدرها محدود است که افراط در تولید چنین برنامه‌هایی آنها را خسته و دل‌زده می‌کند و تکرار یک موقعیت در درازمدت چیزی را برای گفتن و نشان دادن باقی نمی‌گذارد.

اما این تنها محدود به برنامه‌های گفت‌وگو محور نمی‌شد. وضعیت رئالیتی‌شو‌هایی مانند مافیا، پدرخوانده، ناتو، صادو، شام ایرانی، الکلاسیکو و حتی جوکر و اِسن اواخر کارناوال هم تفاوت چندانی با تاک‌شو‌ها ندارد. اِسن برنامه‌ها هم در همین یکی، دو سال اخیر چنان پربیننده بودند که مخاطب‌نشان از سریال‌های شبکه خانگی هم پیشی می‌گرفت. مافیاهای متنوعی در این شبکه تولید می‌شد که تماشاگران چند میلیونی داشت و این مخاطبان آنقدر وفادار و وابسته به این مسابقات بودند که به طور منظم آن را پیگیری کرده و تماشاگر دامن آن بودند. آنقدر این برنامه‌ها پرطرفدار بود که مدیران پلنفرها، عطش عجیبی برای ساخت آنها داشتند و چهره‌های شناخته شده هم طر‌ح‌های این چنینی خود را به سرعت در این شبکه به تصویب می‌رسانند و از آن سریع‌تر، تولید برنامه



سال هشتم شماره ۲۰۵۷
دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴



دیدگاه:تحلیل اقتصادی

تخلیه هیجان از بازار

چرا بازار سهام میل به افزایش دارد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

در دل یکی از شلوغ‌ترین روزهای شهریوری تهران، جایی که صدای زنگ تلفن‌ها و هیاهوی معامله‌گران در تالار بورس تهران با بوی قهوه تازه دم شده آمیخته شده بود، مرد میانسالی به نام علی با چشمانی پر از هیجان به صفحه نمایش خیره شده بود. دستانش روی کیبورد می‌لرزید، نه از ترس سقوط بلکه از شوق صعود. خدا را شکر زمره کرد، در حالی که شاخص کل بورس به سطح ۲ میلیون و ۵۷۰ هزار واحد رسیده بود. این لحظه برای علی و هزاران سرمایه‌گذار دیگر، نمادی از بازگشت اعتماد بود. اعتماد به بازاری که ماه‌ها درگیر نوسانات ارزی و تورم لجام‌سیخته بود. اما این فقط آغاز قصه‌ای بود که بازارهای ایران را در مسیر صعودی قرار داده: قصه‌ای از طلا، دلار و سهام که دست در دست هم، هیجان را به خیابان‌های مالی بازگردانده بودند.

این صعود، نه تصادفی بلکه نتیجه تعامل پیچیده عوامل اقتصادی بود. شاخص کل بورس تهران که در آستانه فتح کانال ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحدی قرار گرفته، نشان‌دهنده بازگشت سرمایه‌گذاران حقیقی به صحنه است. در معاملات روز شنبه ۸۰۹ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شد رقمی که از ورود سرمایه‌های خفته خبر می‌دهد. ارزش معاملات خرد سهام نیز به ۶ هزار و ۵۶۹ میلیارد تومان رسید که این حجم، بالاترین سطح در هفته‌های اخیر را ثبت کرده است. شاخص هم‌وزن با رشد ۰.۵۲ درصدی تعادل بیشتری به بازار بخشید و نشان داد که این صعود محدود به سهام بزرگ نیست؛ بلکه شرکت‌های کوچک و متوسط نیز در این موج شریک شده‌اند.
د فرابورس نیز شاخص کل با ۰.۴۷ درصد افزایش بر ارتفاع خود افزود و بازارهای موازی را هم به رقص درآورد. اما آنچه این صعود را خاص می‌کند، نقش پررنگ صندوق‌های اهرمی است. ارزش معاملات این صندوق‌ها به ۱ هزار و ۸۸۳ میلیارد تومان رسید که معادل ۲۹درصد کل ارزش معاملات بازار سهام است. این سهم چشمگیر، پیامی واضح از سوی فعالان بازار ارسال می‌کند: خوش‌بینی به تداوم روند صعودی. صندوق‌های اهرمی، با اهرم‌های مالی‌شان، اجازه می‌دهند سرمایه‌گذاران با سرمایه کمتر، بازدهی بالاتری کسب کنند اما ریسک‌شان نیز بالااست. با این حال در شرایط فعلی جایی که سهام در محدوده‌های حمایتی تثبیت شده، معامله‌گران ترجیح می‌دهند بر پتانسیل رشد تمرکز کنند تا ریسک‌های احتمالی. کارشناسان بازار معتقدند این حجم معاملات، نشانه‌ای از اعتماد به سیاست‌های اقتصادی دولت است؛ سیاست‌هایی که با کنترل تورم و ثبات نسبی نرخ بهره، بستری برای رشد فراهم کرده‌اند. این موج صعودی در بورس، اما بدون تأثیر از بازارهای موازی شکل نگرفته. دلار، آن غول ارزی که همیشه سایه‌ای بر سسر اقتصاد ایران افکنده، معاملات را در سطح ۱۰۲ هزار و ۴۰۰ تومان آغاز و به سرعت کانال ۱۰۳ هزار تومان را فتح کرد. این جهش ۰.۷ درصدی هرچند برای صادرکنندگان است، برای واردکنندگان و مصرف‌کنندگان بار سنگین‌تری به همراه دارد. بازار آزاد ارز، که شنبه را در ۱۰۱ هزار و ۷۰۰ تومان به پایان رسانده بود، تحت تأثیر اخبار بین‌المللی و انتظارات تورمی داخلی رو به افزایش گذاشت. تحلیل‌گران می‌گویند این روند تا حدی به دلیل تحریم‌های مداوم و نوسانات نفتی است اما همزمان، ورود ارزهای صادراتی از بخش خصوصی از شدت آن کاسته است. در این میان سرمایه‌گذاران بورس با دیدن دلار بالاتر به سهام شرکت‌های صادراتی – مانند پتروشیمی‌ها و فلزات – روی آوردند که این امر، شاخص را بیشتر تقویت کرد. بازار طلا و سکه همچون همیشه، پناهگاه امن سرمایه‌گذاران ایرانی بود. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۸ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان رسید که این افزایش، نتیجه مستقیم جهش دلار و تقاضای فصلی برای جواهرات است. سکه امامی نیز در پله‌های پایانی کانال ۹۳ میلیون تومان معامله شد و صندوق‌های طلا در بورس کالا با بازگشایی مثبت، حجم معاملات را افزایش دادند. این بازار که همیشه با بورس همبستگی مثبتی دارد، در روزهای اخیر با ورود سرمایه‌های خرد، رونق بیشتری یافته. طبق گزارش‌های اتحادیه طلا و جواهر، تقاضای فیزیکی سکه به دلیل نگرانی از تورم ۱۵ درصد نسبت به هفته قبل افزایش داشته است. صندوق‌های طلا با نقدشوندگی بالا و کارمزد پایین، گزینه‌ای جذاب برای سرمایه‌گذاران شده‌اند و سهم‌شان از کل معاملات به ۱۰ درصد رسیده است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

سلاح جدید چین علیه دلار

آیا انقلاب ارزی در چین رقم می‌خورد؟

مهتا معرفت
متروخم

تصور کنید در قلب پکن، جایی که برج‌های شیشه‌ای مدرن با دیوارهای منوعه شهر هم‌آوایی می‌کنند، یک اتاق جلسه محرمانه در حال شکل‌گیری است. رهبران ارشد چین با چشمانی تیزبین به نقشه جهان خیره شده‌اند، جایی که خطوط سبز یوآن در حال نفوذ به قلمرو آبی دلار است. این نه یک فیلم جاسوسی هالیوودی بلکه واقعیت ژئوپلیتیک قرن بیست‌ویکم است. چین، غول اقتصادی شرق، پس از سال‌ها انزوا از دنیای رمزارزها حالا آماده است تا با استیبل کوین‌های با پشتوانه یوآن، ضربه‌ای اساسی به تاج و تخت دلار آمریکا بزند. این حرکت، نه تنها یک نوآوری فنی بلکه یک استراتژی ژئوپلیتیک است که می‌تواند، تعادل قدرت جهانی را دگرگون کند. در حالی که ایالات متحده سعی می‌کند سلطه دیجیتال خود را تقویت کند، پکن با سرعت به سمت بین‌المللی‌سازی یوآن شتاب می‌گیرد.

چین با هدف گسترش پذیرش استیبل کوین خود در سطح جهانی، قرار است تا ۱۰ روز آینده نقشه راه جامعی را ارائه دهد. این ابتکار که توسط شورای دولتی چین بررسی و احتمالاً تصویب خواهد شد، پاسخی مستقیم به فشارهای آمریکا بر استیبل کوین‌های دلاری است. انتظار می‌رود این طرح شامل اهداف بلندپروازانه‌ای برای استفاده از یوآن در بازارهای جهانی، تشریح مسئولیت‌های تنظیم‌کنندگان داخلی و حتی ادغام با سیستم‌های پرداخت بین‌المللی باشد. رهبران ارشد کشور نیز در اواخر این ماه برای یک جلسه مطالعاتی ویژه تشکیل جلسه خواهند داد، جایی که تمرکز اصلی بر بین‌المللی‌سازی یوآن و نقش کلیدی استیبل کوین‌ها در این فرآیند خواهد بود. این جلسه که در شهر تیان‌جین برگزار می‌شود، می‌تواند نقطه عطفی در سیاست‌های مالی چین باشد و نشان‌دهنده تغییر پارادایمی از منوعیت مطلق رمزارزها به پذیرش استراتژیک آنهاست. چین مدت‌هاست که آرزوی دستیابی یوآن به جایگاه ارز ذخیره جهانی را در سر می‌پروراند اما موانعی مانند کنترل‌های شدید

دیدگاه:یادداشت اقتصادی

جادوی سیاه

چرا نمی‌توان جلوی دونالد ترامپ را گرفت؟

جمشید پیش‌قدم
گروه اقتصاد

میزان محبوبیت دونالد ترامپ به منفی ۱۴ درصد رسیده است. این درصدد اندکی از محبوبیت جو بایدن پس از انجام آن مناظره پر مناقشه بهتر است و در آن زمان هیچ‌کس از اینکه او بیش از حد قدرتمند است، احساس نگرانی نکرد. وضعیتی معماگونه پدید آمده است: اکثر آمریکایی‌ها ترامپ را قبول ندارند اما به نظر می‌رسد که او در همه جا به خواسته‌هایش می‌رسد. چرا این گونه است؟ یک پاسخ آن است که او بسیار سریع‌تر از نیروهای مهارکننده‌اش حرکت می‌کند. او همانند الگوریتم تک‌تک‌انگ است. توجهات را جالب می‌کند و قبل از آنکه مخالفانش بفهمند چه اتفاقی افتاده است به سراغ اقدام بعدی می‌رود. دیوان عالی هنوز به این نتیجه نرسیده که آیا اعزام نیرو به لس‌آنجلس در ماه ژوئن قانونی بود یا خیر. در زمانی که قضاوت در این باره تصمیم

سرمایه و مازاد تجاری سالانه بیش از یک تریلیون دلاری این هدف را دست‌نیافتنی کرده است. با این حال تصویب این طرح می‌تواند، تغییرات عمده‌ای در رویکرد این کشور نسبت به دارایی‌های دیجیتال ایجاد کند. در سال ۲۰۲۱ به دلیل نگرانی‌های عمیق در مورد ثبات سیستم مالی، چین تجارت، استخراج و حتی مالکیت رمزارزها را ممنوع اعلام کرد. این ممنوعیت، که بخشی از کمپین گسترده‌تر «صفر رمزارز» بود، منجر به مهاجرت هزاران ماینر به کشورهای دیگر شد و بازار جهانی را تکان داد. اما حالا با ظهور استیبل کوین‌های دلاری مانند USDT و USDC که بیش از ۹۹ درصد بازار ۲۴۷ میلیارد دلاری استیبل کوین‌ها را در اختیار دارند، پکن احساس تهدید می‌کند. این استیبل کوین‌ها نه تنها تجارت فرامرزی را تسهیل می‌کنند بلکه سلطه دلار را در دنیای دیجیتال تقویت کرده و می‌توانند ابزار تحریم‌های آمریکا را قدرتمندتر کنند. در حال حاضر، هنگ کنگ و شانگهای در فاز اجرای محلی این طرح قرار دارند و به عنوان مناطق آزمایشی عمل می‌کنند. هنگ‌کنگ با قانون جدید استیبل کوین که از آگوست ۲۰۲۵ اجرایی شده، پیشگام است. این قانون، که الزامات سختگیرانه‌ای برای صدور مجوز دارد، اجازه می‌دهد شرکت‌هایی مانند علی‌بابا، استیبل کوین‌های با پشتوانه دلار هنگ‌کنگ صادر کنند اما پکن امیدوار است این مدل به سرعت به یوآن گسترش یابد. شانگهای، به عنوان مرکز مالی قاره‌دار چین، بر آزمایش‌های داخلی تمرکز دارد و می‌تواند، پلی برای ادغام استیبل کوین‌ها با e-CNY باشد. گزارش‌ها حاکی از آن است که غول‌های فناوری چینی در حال لایه برای صدور استیبل کوین‌های آفشور یوآن در هنگ‌کنگ هستند که این امر می‌تواند بدون نقض کنترل‌های سرمایه داخلی، یوآن را به بازارهای جهانی بررد. این نقشه راه، که توسط منابع آگاه به رویتز فاش شده، فراتر از یک سند فنی است؛ آن یک ابزار ژئوپلیتیک برای مقابله با «دلار دیجیتال» است. چین که e-CNY را از سال ۲۰۲۰ آزمایش کرده با چالش‌هایی مانند پذیرش محدود خارج از مرزها روبه‌رو بوده است. استیبل کوین‌های یوآن می‌تواند این‌س خلأ را پر کند زیرا بر پایه بلاکیچین عمل می‌کنند و ثبات قیمتی را با پشتوانه ذخایر یوآن تضمین می‌کنند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که اگر این طرح تصویب شود، بازار استیبل کوین‌ها تا سال ۲۰۲۸ می‌

به ۲ تریلیون دلار برسد و سهم یوآن می‌تواند از صفر فعلی به ۱۰-۲۰ درصد جهش کند. با این حال چالش‌های جدی وجود دارد. کنترل‌های سرمایه چین، که برای جلوگیری از خروج سرمایه طراحی شده، می‌تواند مانع گسترش جهانی شود. علاوه بر این نگرانی از پولشویی و بی‌ثباتی مالی همچنان پابرجاست همان دلایلی که منجر به ممنوعیت ۲۰۲۱ شد.

از منظر جهانی، این حرکت چین می‌تواند موجی از تغییرات ایجاد کند. ایالات متحده، که در حال تنظیم استیبل کوین‌های دلاری است، ممکن است با تحریم‌های جدید پاسخ دهد. اروپا و ژاپن نیز در حال بررسی مقررات مشابه هستند اما چین با جمعیت ۱.۴ میلیاردی و اقتصاد دوم جهان، مزیت رقابتی دارد. در آسیا، کشورهای مانند اندونزی و ویتنام که تجارت زیادی با چین دارند، ممکن است اولین پذیرندگان یوآن دیجیتال شوند. حتی در خاورمیانه، جایی که عربستان سعودی به دنبال توسعه‌بخشی به دلار است، استیبل کوین یوآن می‌تواند جذاب باشد.

در داخل چین، این‌س طرح حمایت گسترده‌ای از سوی نخبگان اقتصادی دارد. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور، بارها بر «دوگانه گردش» اقتصاد-داخلی و بین‌المللی- تأکید کرده و استیبل کوین‌ها می‌تواند، ابزاری برای گردش بین‌المللی باشند. جلسه مطالعاتی اواخر ماه، که شامل مقامات حزب کمونیست و بانک مرکزی است، احتمالاً بر امنیت سایبری و نظارت مرکزی تمرکز خواهد کرد. منابع می‌گویند که پکن در حال مذاکره با شرکای بریکس برای پذیرش یوآن در تجارت است و استیبل کوین‌ها می‌تواند این را تسریع کند. با وجود پیشرفت‌ها، منتقدان هشدار می‌دهند که این طرح ممکن است به «دام دلار» بیفتد. اقتصاددانان چینی مانند کسان‌ی که در نیویورک تایمز نقل شده‌اند، می‌گویند استیبل کوین‌ها می‌توانند سلطه دلار را عمیق‌تر کنند اگر چین نتواند اعتماد جهانی بسازد. علاوه بر این، مازاد تجاری تریلیون دلاری چین، که عمدتاً به دلار است، می‌تواند با یوآن دیجیتال مختل شود و تورم وارداتی ایجاد کند. با این حال پکن با آزمایش‌های موفق e-CNY در المپیک زمستانی ۲۰۲۲ و پرداخت‌های فرامرزی با امارات، اعتمادبه‌نفس دارد. در نهایت، این نقشه راه نه تنها یک گام فنی بلکه یک گام استقلال مالی است. اگر چین موفق شود، یوآن می‌تواند از ۲ درصد سهم فعلی در ذخایر جهانی به رقیب جدی دلار تبدیل شود. جهان در حال تماشای این نبرد است: آیا شرق تاج غرب را خواهد گرفت؟ با ارائه این سند در ۱۰ روز آینده، پاسخ‌ها روشن‌تر خواهند شد. چین، که همیشه با صبر استراتژیک عمل می‌کند، حالا در حال شتاب‌گیری است و این می‌تواند آغاز عصر جدیدی در اقتصاد دیجیتال باشد.

منبع: اکونومیست وفایننشال تایمز

نامطلوب است شاید برای رقبایش بد نباشد. اگر یک بنگاه حقوقی به بن‌بست بخورد، رقبا کسب‌وکار او را می‌گیرند. درشت همه اینها یک واقعیت زشت نهفته است: تلاش آقای ترامپ برای اثبات خویشتن و ارعاب دیگران. رئیس‌جمهورهای سابق تحت تأثیر متخصصان مستقل و اعضای کابینه قرار می‌گرفتند. تعریف جدید متخصص در دفتر بیضی فردی است که با رئیس موافقت می‌کند. رویان اخبار بد اخراج می‌شوند؛ جمهوری‌خواهان نامطلوب کنار گذاشته می‌شوند؛ مدیران تجارت مجازات می‌شوند و مخالفان تحت تعقیب قرار می‌گیرند. پاسخ منطقی آنها آن است که معذرت‌خواهی کنند، آرام بگیرند و امیدوار باشند که کسی دیگر کار مناسب را انجام دهد. کسان دیگری که این ماجرا را می‌بینند، ترجیح می‌دهند زندگی آرامی داشته باشند. بنابراین از جنبه سیاسی مهم‌ترین وظیفه مخالفان بر دوش دموکرات‌ها قرار می‌گیرد. آنها به عبارتی گیج شده‌اند و نمی‌دانند چه کاری می‌توانند، انجام دهند. آنها نه می‌توانند آقای ترامپ را مهار کنند و نه می‌توانند به‌طور شفاف نظرشان را بیان کنند. این واقعیت پایگاه آنها را خشمگین می‌کند. رتبه محبوبیت ترامپ بسیار پایین است اما در مقایسه با حزب دموکرات طرفداران بیشتری دارد. هم به این دلیل که جمهوری‌خواهان و افراد مستقل حزب دموکرات را قبول ندارند و هم به این خاطر که دموکرات‌ها هم خودشان را تایید نمی‌کنند.

این خودبیزاری در کوتامدتی می‌تواند بیش از حد باشد.

آگهی مزایده اموال غیر منقول

بطوریکه بر زمین مورد ارزیابی تنها محدود به همان هفت متر قسمت شرقی حد شمالی میباشد که توسط دو عدد دروازه ماشین رو نفرو رو خیابان اصلی متصل میباشد ملک دارای انشعابات آب و برق و گاز ونیز بیمه میباشد .
اراضی قسمت جنوبی ملک بصورت بایر و فاقد هرگونه بنا و یا اشجاری بوده و دارای پوشش علفهای هرز میباشد و دو شبکه تیر برق بصورت شرقی غربی و به موازات هم از آن عبور می نماید که طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۹۳۱۰ ریال (نهصد و سی و یک میلیارد ریال) ارزیابی شد.
پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۰۶/۳۱/۱۴۰۴ در نوشهر – بعد از میدان همافران – خیابان ۱۵ خرداد جنب اداره راهنمایی و رانندگی اجرای اسناد رسمی ثبت اسناد و املاک نوشهر از طریق مزایده برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید در غیر اینصورت، مزایده باطل و مبلغ مذکور (۱۰/۱۰) به هیچ وجه قابل استرداد نمی باشد.
نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول میگردد. لازم به ذکر است کلیه بدهیهای مربوطه و هزینههای قانونی اعم از نیم عشر و حق مزایده و بدهیهای مربوط به آب ،برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهیهای مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده از اینک رقم قطعی ان معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است که نقدا وصول خواهد شد و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینههای فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد .
چنانچه روز مزایده با تعطیل رسمی غیر متفرقه مواجه گردد اولین روزاداری بعد از تعطیلی ، روزمزایده خواهد بود.
شناسه آگهی: ۱۹۹۸۲۸۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی نوشهر سکینه افروز

جامعه سالخورده

چرا سیاست افزایش جمعیت شکست خورد؟

گروه اجتماعی: روز یکشنبه صابر جباری، رئیس مرکز جوانی جمعیت سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت هشدار داد که نرخ باروری کل کشور حدود ۱٫۶ فرزند به ازای هر زن است و اگر این روند ادامه یابد جمعیت ایران به سرعت پیر می‌شود. طبق اسناد برنامه ششم توسعه، قرار است نرخ باروری تا سال ۱۴۰۷ به ۲٫۵ برسد. این هشدار در حالی مطرح می‌شود که بر اساس برآوردهای صندوق جمعیت سازمان ملل متحد ایران یکی از سریع‌ترین نرخ‌های سالمندی در جهان را تجربه می‌کند؛ این سازمان می‌گوید، سطح باروری ایران در سال ۲۰۲۲ به ۱٫۶ فرزند رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ حدود ۲۷٫۹ درصد جمعیت بالای ۶۰ سال باشند. پس از انقلاب و در زمان جنگ ایران و عراق با تبلیغ «هرچه بیشتر بهتر» نرخ باروری به ۴٫۶ فرزند رسید. اما پس از جنگ، دولت برای کنترل رشد جمعیت، سیاست «دو فرزند کافی است» را اجرا کرد و این باعث شد، نرخ باروری به ۱٫۶ فرزند در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. کارشناسان می‌گویند، نرخ رشد جمعیت نیز از ۲۹٫۱ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۶٫۰ درصد در سال ۲۰۲۳ سقوط کرده است. در واقع جمعیت ۸۶ میلیون نفری ایران پنج برابر سریع‌تر از سرعت رشدش در حال پیر شدن است و سازمان ملل تخمین می‌زند تا سال ۲۰۵۰ یک‌سوم ایرانیان بالای ۶۰ سال خواهند بود. این روند حتی نگران‌کننده‌تر است زیرا تعداد تولدها در سال گذشته برای اولین بار به کمتر از یک میلیون نفر رسید.

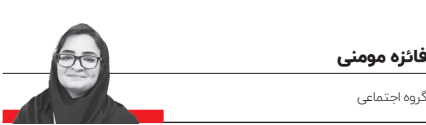
چرا خانواده‌ها بچه‌دار نمی‌شوند؟

یکی از مهم‌ترین دلایل افت باروری، شرایط اقتصادی است. گزارش یونسف می‌گوید، متوسط تورم ایران در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۴٫۹ درصد بوده و ۲۳ درصد جوانان بیکار هستند؛ حدود ۴۳ درصد از خانواده‌ها

محیط زیست

دریاچه ناپدید می‌شود!

گزارش ناسا خبر از محو شدن کامل دریاچه ارومیه می‌دهد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

دریاچهٔ ارومیه زمانی بزرگ‌ترین دریاچهٔ شور خاورمیانه بود و مساحتی بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع داشت. این پهنهٔ آبی نه تنها زیستگاه گونه‌های منحصr به فردی مانند آرتمیا بود بلکه با تعدیل اقلیم و تأمین رطوبت، حیات کشاورزی و معیشت میلیون‌نفر را در شمال‌غرب ایران تضمین می‌کرد. امروز اما آخرین تصویر ماهواره‌ای ناسا روایت دیگری دارد؛ نگین فیروزه‌ای ایران به شورمزاری سفید تبدیل شده است. خبرگزاری آنادولو با استناد به این تصویر می‌نویسد که دریاچه «به‌طور کامل خشک شده» و سطح آن به شورمزارهای ترک خورده بدل شده است. گزارش‌های ماه‌های اخیر نشان می‌داد که ارومیه به پایین‌ترین تراز خود رسیده است. تراز آب دریاچه در ۷۴/۱۲۶۹ متر ثابت شده، سطح آن به ۵۸۱ کیلومتر مربع و حجم باقی‌مانده به نیم میلیارد متر مکعب کاهش یافته؛ این در حالی است که سال گذشته حجم آب دو میلیارد متر مکعب بود. چندی پیش مسئولان گزارش داده بودند که در صورت ادامهٔ تبخیر و گرمای شدید تابستان، دریاچه تا پایان تابستان کاملاً خشک می‌شود. هزم‌ان رسانه‌های بین‌المللی از جمله «تایم‌پس» خبرگزاری نیوزویک تأکید کرده‌اند که تصاویر ماهواره‌ای سنسیتل-۲ آژانس فضایی اروپا این سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، عقب‌نشینی شتاب‌ناک بخش جنوبی ارومیه و تبدیل آن به بوست‌های نمکی را به‌صورت آشکار نشان می‌دهد. این تصاویر ثابت می‌کند دریاچه‌ای که زمانی محل گردشگری و زیستگاه پرندگان مهاجر بود اکنون به بیابانی سفید تبدیل شده است.

پیامدهای فوری: توفان نمک، مهاجرت و سلامتی

خشک شدن ارومیه پیامدهای فاجعه‌باری دارد. بنفشه زهرایی، مدیر مؤسسهٔ آب دانشگاه تهران، یادآور شده است که تبعات خشک شدن دریاچه تنها به گرم‌تر شدن هوا یا نمک‌زار شدن محدود نمی‌شود؛ او هشدار داده است که تجربهٔ دریاچهٔ آرال نشان می‌دهد پس از خشکیدگی انواع بسترط‌ان، بیماری‌های ناشی از گرد و غبار نمکی و مهاجرت اجباری ساکنان رخ خواهد داد. گزارش مهر نیز تأکید می‌کند که با خشک شدن دریاچه بیش از ۱۰ میلیارد تن نمک به صورت گرد و غبار در منطقه پراکنده خواهد شد و این بحران فقط دامن آذربایجان غربی را نمی‌گیرد بلکه بخش وسیعی از کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، این رسانه می‌افزاید که معیشت و زندگی حدود ۱۵ میلیون نفر در استان‌های

نیز زیر یا نزدیک خط فقر چندبعدی زندگی می‌کنند. مجلس شورای اسلامی گزارش داده است که خط فقر در تهران در سال ۱۴۰۲ به ۳۰۰ میلیون ریال (حدود ۷۶۶ دلار) رسید. در چنین شرایطی مصرف گوشت و لبنیات به دلیل گرانی کاهش یافته است. بدیهی است زوج‌های جوانی که باید اجاره خانه، شهریه مدارس و هزینه درمان را بپردازند به سختی می‌توانند فرزند ی به دنیا بیاورند. مطالعه «ترجیح خانواده‌های ایرانی در سیاست‌های باروری» نشان می‌دهد که تورم، هزینه بالای مسکن و فشارهای مالی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها در تصمیم‌گیری برای بچه‌دار شدن است. در این پژوهش اشاره شده که سیاست‌های حمایتی فقط زمانی کارآمد خواهند بود که مشکلات اقتصادی را کاهش دهند؛ حتی کمک‌های مالی ممکن است تمام موانع را از بین نبرد بنابراین باید عوامل اجتماعی و روانی نیز مدنظر قرار گیرند. نویسندگان خاطرنشان می‌کنند که مردم در مواجهه با نااطمینانی‌های اقتصادی و اجتماعی اندازه خانواده را محدود می‌کنند و هزینه و درآمد را محاسبه می‌کنند. یک نظرسنجی جهانی صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA) با بیش از ۱۴ هزار پاسخ‌دهنده نیز نشان داده است که ۳۹ درصد افراد مشکلات مالی را مهم‌ترین مانع برای داشتن فرزند دانسته‌اند.

عوامل فرهنگی و اجتماعی

گرچه مردم هنوز دوست دارند، خانواده‌ای چند نفره داشته باشند روندهای فرهنگی و ساختاری نیز به کاهش باروری کمک کرده‌اند. سن ازدواج به‌طور پیوسته افزایش یافته همچنین فاصله میان ازدواج و اولین تولد رو به افزایش است و بسیاری از زوج‌ها ترجیح می‌دهند به جای فرزندآوری، ابتدا تحصیلات و شغل خود



آذربایجان غربی و شرقی به وضعیت دریاچه وابسته است و با کاهش تراز آب، زندگی این جمعیت در معرض خطر قرار می‌گیرد.

زنجیره عوامل: انسان و طبیعت

بررسی مطالعات سازمان‌های بین‌المللی و کارشناسان داخلی نشان می‌دهد که عوامل انسانی نقش اصلی در نابودی ارومیه داشته‌اند. مرکز EROS سازمان زمین‌شناسی آمریکا (USGS) تصریح می‌کند که افت سطح دریاچه از دههٔ ۱۳۷۰ به بعد به‌ویژه به علت انحراف آب‌های سطحی برای کشاورزی است؛ این مرکز می‌گوید که سدهای متعدد روی رودخانه‌های ورودی و تغییر مسیر آب به مزارع مهم‌ترین علل کاهش آب ورودی بوده‌اند. بر اساس همین گزارش از سال ۱۳۷۵ به بعد خشکسالی‌ها نیز به کاهش تراز آب اضافه شده است. صفحهٔ اصلی EROS نیز تأکید دارد که چون ارومیه دریاچه‌ای بسته است و تنها از طریق بارندگی و رواناب تغذیه می‌شود، هر گونه انحراف آب یا کاهش بارش تأثیر مستقیم بر تراز آن دارد. تحلیل‌های رسانه‌ای اخیر نیز متفق‌اند که بهره‌برداری بی‌رویه از آب، عامل اصلی است. از اوایل دههٔ ۱۳۸۰ بیش از ۲۰ سد بزرگ و بی‌شمار سد کوچک روی شاخه‌های منتهی به دریاچه ساخته شده و «دهه‌ها هزار چاه عمیق- مجاز و غیرمجاز- منابع آب زیرزمینی که زمانی دریاچه را تغذیه می‌کردند، تخلیه کرده‌اند». همچنین کشت محصولات آب‌پر مانند چغندر قند، سیب و خربزه را تشویق کرده و بدین ترتیب مصرف آب حوضه را از ظرفیت اکولوژیک آن فراتر برده است. حتی ساخت میان‌گذر (جاده و راه‌آهن) در اوایل دههٔ ۱۳۸۰ که دریاچه را به دو نیم تقسیم کرد، باعث اختلال در گردش آب و خشکی زودتر بخش جنوبی شد. پژوهش‌های بین‌المللی منتشر شده در نشریات علمی نیز تأیید می‌کنند که استخراج بی‌رویهٔ آب زیرزمینی و ساخت سدها، نقش پررنگی در خشکاندن ارومیه دارد؛ یک مطالعهٔ منتشرشده در ژورنال Arid Land نشان می‌دهد که برداشت بی‌رویهٔ آب برای کشاورزی یکی از دلایل اصلی کاهش حجم دریاچه است و پژوهش‌های دیگر تأکید دارند که سدسازی، کاهش بارش و قرار گرفتن بستر دریاچه در معرض رسوبات نمکی کشاورزی، چرخه نابودی را تسریع کرده است.

تشکیل ستاد احیای دریاچه و امید کوتاه‌مدت

در پی خشک شدن ۹۵ درصدی دریاچه در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ دولت یازدهم «ستاد احیای دریاچه ارومیه» را تشکیل داد. طرح احیا شامل مدیریت سدسازی، کاهش سطح زیر کشت، انتقال آب از سد کانی‌سیب، رهاسازی پساب تصفیه

را تثبیت کنند. ترس از آینده نیز بر تصمیم خانواده‌ها تأثیر دارد. ترس‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی، جنگ‌ها و همه‌گیری‌ها باعث شده برخی خانواده‌ها از داشتن فرزند خودداری کنند. جوانان علاوه بر حقوق باروری به امید و آینده‌ای روشن نیاز دارند. برای مقابله با افت باروری، دولت در سال‌های اخیر سیاست‌های متعددی تصویب کرده است. در دهه ۱۳۸۰ طرح «صندوق آینده فرزندان» سپس از سال ۱۳۹۳ قوانین تشویقی مانند توقف توزیع رایگان وسایل پیشگیری، ممنوعیت واژکومی و توبکتومی و اولویت اشتغال برای مردان دارای فرزند اجرایی شد.

قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مصوب ۱۴۰۰ امتیازاتی مانند وام‌های قرض‌الحسنه، تخصیص زمین یا مسکن با اقساط بلندمدت، یارانه ماهانه برای فرزندان، مرخصی ۹ ماهه زایمان و پوشش کامل درمان ناباروری را در نظر گرفته است. صندوق‌های بیمه‌ای نیز هزینه‌های معاینات بارداری و زایمان را پوشش می‌دهند. به‌رغم این اقدامات کارشناسان معتقدند، نتیجه ملموسی حاصل نشده و قانون به‌صورت ناقص اجرا می‌شود. دبیر ستاد ملی جمعیت می‌گوید، انتهای پنجره جمعیتی سال ۱۴۲۵ است و بسیاری از مواد قانون جوانی جمعیت هنوز اجرایی نشده‌اند. وی تأکید می‌کند که باید تمام امکانات برای تسهیل ازدواج زودتر جوانان و تأمین هزینه دو سال اول کودک بسیج شود. تحلیل‌گران بر این باورند که رویکردهای سخت‌گیرانه مانند محدود کردن توزیع

شده تبریز و ارومیه و اصلاح الگوی کشاورزی بود. بارش‌های خوب سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۸ و اجرای بخشی از پروژه‌ها باعث شد تراز آب اندکی افزایش یابد؛ USGS تأیید می‌کند که بارندگی‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ سطح دریاچه را بالا آورد ولی این افزایش دوام نداشت. با گذشت ۸ سال و صرف ۸۴۱،۲۰ میلیارد ریال نه تنها دریاچه احیا نشد بلکه به دلیل عدم اتمام پروژه‌های کلیدی مانند انتقال آب از زاب و بهره‌برداری از تصفیه‌خانه‌ها، شرایط به روزهای بحرانی بازگشت. این گزارش همچنین فاش می‌کند که از ۲۰۰۰ میلیارد تومان بودجهٔ دولت قبل تنها ۵۰ میلیارد هزینه شده و بخش اعظم هزینه‌ها صرف تبلیغات شد. به علاوه، ترک‌خوردگی‌های متعددی در تونل انتقال آب کانی‌سیب رخ داده و این پروژه ۷۵۰ متر ترک‌خوردگی دارد که انتقال آب را متوقف کرده است. این مسائل نشان می‌دهد که مدیریت پروژه‌ها شتابزده و بدون مطالعه بوده است.

عملکرد دولت‌های اخیر: انحلال ستاد و بازگشت بحران

پس از تغییر دولت در ۱۴۰۰ ستاد احیا تضعیف شد و حتی برخی پروژه‌ها متوقف ماندند. با اینکه وعده داده شد که طرح‌ها با قوت ادامه یابد ۹۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز در حوضه حفر شده و با وجود درخواست برای مسدود کردن آنها اقدامی جدی صورت نگرفته است. همچنین مطالعات نشان داده‌اند که کاهش بارش و تبخیر افزایش یافته اما مهم‌تر از همه عدم مدیریت منابع آبی در بخش کشاورزی، عدم تحقق حقایه زیست‌محیطی و نیمه‌تمام ماندن پروژه‌های احیا، علت بازگشت بحران هستند. در تیرماه سال جاری نیز دادستان دیوان محاسبات به‌صراحت اعلام کرد که برنامه‌های دولت قبل بیشتر تبلیغاتی بود و بودجه‌ها به میزان اعلام شده، هزینه نشده است. تصوr اخیر ناسا و گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که دریاچه ارومیه عملاً به تاریخ پیوسته است. این فاجعه نتیجهٔ ۴۶ سال سوء مدیریت، سدسازی بی‌رویه، توسعهٔ کشاورزی ناپایدار، حفر چاه‌های غیرمجاز و بی‌اعتنایی به هشدار کارشناسان است. گرچه تغییرات اقلیمی نقش داشته اما نقش اصلی را دولت‌ها و سیاست‌های نادرست آنها ایفا کرده‌اند. امروز که بیش از ۹۵ درصد دریاچه به نمک‌زار تبدیل شده است باید پذیرفت که مسیری که طی شد بی‌راهه بود. مردم حق دارند بپرسند، میلیارد‌ها تومان هزینهٔ احیا کجا صرف شد و چه کسانی مسئول مرگ این دریاچه‌اند. آیندهٔ شمال‌غرب ایران، سلامت میلیون‌ها نفر و میراث طبیعی کشور وابسته به تصمیمات امروز است؛ تصمیماتی که باید جسورانه، علمی و فراتر از شعار باشند.



وسایل پیشگیری و محدود کردن آزمایش‌های ژنتیکی نه تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه باعث نگرانی خانواده‌ها می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از خانواده‌ها «سهم فرزند» یا طرح‌های اختصاص سهم از شرکت‌های دولتی را به دلیل بی‌اعتمادی به بازار سهام بی‌فایده می‌دانند. تجربه کشورهای اسکاندیناوی و اروپایی نشان می‌دهد که حمایت‌های مالی، خدمات مراقبت از کودک و مرخصی والدین با حقوق می‌تواند، نرخ باروری را افزایش دهد. همچنین پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد که به رغم رواج الگوی یک یا دو فرزند، میانگین فرزند مطلوب خانواده‌ها بیش از تعداد واقعی فرزندان است؛ یعنی یک شکاف بین خواسته و توان وجود دارد.

بحران جمعیتی ایران صرفاً محصول «امیل نداشتن مردم به فرزند» نیست بلکه نتیجه ناامنی اقتصادی، تورم، بیکاری جوانان و تحولات اجتماعی و فرهنگی است. دولت باید بداند که تشویق به فرزندآوری بدون اصلاح ساختار اقتصاد و ساماندهی بازار مسکن، کاهش تورم و ایجاد امنیت شغلی بی‌نتیجه خواهد بود. فرصت پنجره جمعیتی به سرعت رو به پایان است؛ تنها ۵ تا ۷ سال برای جبران این عقب‌ماندگی باقی مانده است. اگرچه هدف افزایش نرخ باروری به ۲٫۵ فرزند ظرف چند سال دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد اما با اتخاذ سیاست‌های جامع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای کامل قانون جوانی جمعیت، می‌توان این روند را کند و آینده‌ای سالم‌تر برای نسل‌های بعدی ترسیم کرد.

ادامه یادداشت روز

تولید و تکثیر اعتماد عمومی

۳ قانون، هرگونه رفتار سلیقه‌ای، خودسرانه یا خارج از حدود صلاحیت را ممنوع کرده است. مأموران باید در برابر شهروندان: کرامت انسانی را رعایت کنند. از رفتار تحقیرآمیز یا خشونت غیرضروری پرهیز نمایند. رفتار برابر با همه شهروندان داشته باشند. آموزش‌های لازم در زمینه ارتباط مؤثر، مدیریت درگیری و کنترل بحران را به‌کار بندند. از دیگر ارکان مهم رعایت حقوق شهروندی، شفافیت در اقدامات انتظامی است. ثبت و ضبط تمامی مراحل، نه تنها امکان نظارت قضایی را فراهم می‌کند، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی نیز می‌شود. ایجاد سامانه‌های نظارتی همچون ۱۹۷ نشان‌دهنده توجه پلیس به پاسخگویی و اصلاح رفتار درونی است.

۴ پیامدهای رعایت یا نقض حقوق شهروندی اما باید بازخورد مستقیم داشته باشد و شهروندان مطلع گردند. رعایت حقوق شهروندی باعث افزایش اعتماد مردم به پلیس، تقویت امنیت اجتماعی، ارتقای مشروعیت نهاد انتظامی است. نقض حقوق شهروندی بازتاب کاهش سرمایه اجتماعی، بدبینی عمومی، افزایش شکایات و ایجاد بحران اعتماد است.

۵ با این انگاره رعایت حقوق شهروندی در کلاتری‌ها نه یک توصیه توصیفی، بلکه یک تکلیف قانونی و حرفه‌ای است. پای‌بندی به این اصول می‌تواند به تحقق پلیسی مردم‌دار، ارتقای مشروعیت نهاد انتظامی و تحکیم حاکمیت قانون کمک کند. بی‌تردید، آینده اعتماد عمومی به پلیس و سرمایه اجتماعی کشور در گرو رفتار قانونی، شفاف و انسانی مأموران کلاتری است. این که شهروندان بدانند وجودشان اهمیت دارد و پلیس که مظهر قدرت عمومی در عرصه جمعی است به آنها احترام می‌گذارد و نظم و امنیت را برای همه با احترام به حقوق جمعی می‌خواهد و فقط متمرکز بر ثبات و تثبیت حکمروایی نیست و قدرت عمومی مبتنی بر رضایت شهروندان را منشأ اقتدار و مشروعیت می‌انگارد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۸۸

چهارشنبه ۳ اسفند

مصاحبه با مجله متین

در مراسم بزرگداشت شهدای روحانی و فرهنگی لشکر ۱۰ سیدالشهداء تهران شرکت کردم. سردار ناصح و آقای عرب‌پور، روحانی لشکر، گزارش دادند. کل لشکر، چهار هزار و ۱۰۰ شهید داده که ۳۲۰ نفرشان روحانی و فرهنگی‌اند؛ ۸۰ نفر فرهنگی و بقیه روحانی‌اند. يك نفر به نام [محمدرضا] آقاسی که قیافه ژولیده و درویشی داشت، شعری طولانی خواند.

من هم در فضایل ایثارگران و ایثار صحبت کردم. اجلاس درپادگان خر- باغشاه سابق- بود؛ در سالن نزدیک همان آسایشگاهی که من دو ماه سریازیم را [درسال ۱۳۴۲] آنجا گذرانده بودم.

آقای شجاع ابراهیمی، [شاعر خراسانی] آمد. پیگیری کرد، از قراری که داشتیم، دربارهٔ دفاع مقدس و سازندگی شعر بسراید و نیز مشکل پرداخت اقساط وام منزلش را مطرح کرد و پیشنهاد داد که امکانات او را برای زائرسرای مجمع تشخیص [مصلحت نظام] بخریم.

عصر، مصاحبه‌ای با مجله متین دربارهٔ روند تحولات بعد از انقلاب کردم و به بسیاری از شبهه‌هایی که اخیراً در مورد عملکرد انقلاب مطرح شده از سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، خارجی و سیاسی پاسخ گفتم؛ قسمت دوم بود.

امروز هم فشار تبلیغاتی صداوسیما نسبت به آلمان ادامه داشت و آقای [مهدی] کروی، [رییس مجلس] در مجلس از این روش صداوسیما انتقاد کرد. آقای [علی] لاریجانی، [رییس سازمان صدا و سیما] آمد و گفت، جناح تند دوم خرداد، تصمیم گرفته است در مقابل اقدامات قوه قضاییه، عکس‌العمل شدید نشان دهد و با اعلامیه‌های تند دفتر تحکیم وحدت آغاز کرده‌اند و از اعتراضات علی‌افشاری، [دبیر سیاسی دفتر تحکیم وحدت] نگرانی دارند.

دولت سوریه در مورد آزادی‌هایی که پس از انتخاب بشار اسد، [رییس‌جمهور سوریه] داده بود تجدیدنظر کرد و در قدم اول، محافل گفت‌وگو را محدود کرده و شرایط مشکلی برای آنها قرار داده است. سرعت رشد این محافل و طرح مسایل مهم سیاسی و انتقاد از دوره ۳۰ ساله ریاست حافظ اسد، دولتی‌ها را نگران کرده است؛ از اول، حدس زده می‌شد که تحمل نداشته باشند. اعراب از آمریکا خواسته‌اند که روی اسرائیل فشار بیاورد که بدهی‌اش را به دولت خودگردان فلسطینی، بابت مالیات‌هایی که از فلسطینی‌ها به نیابت از دولت خودگردان گرفته، بپردازد. گفته شده در غیر این صورت، دولت خودگردان، ممکن است ساقط بشود.

پنج‌شنبه ۴ اسفند

بررسی کتاب فلسطین و هاشمی‌رفسنجانی
برای چکاپ به بیمارستان قلب [شهید رجایی] رفتم. عفت و فائزه هم بودند. بررسی فشار خون و وضع گوش و بینی و وضع قند و سونوگرافی از مثانه، پروستات، کبد، لوزالمعده، کلیه‌ها، معاینه حلق و گوش و بینی و ریه و سرانجام آندوسکوپي معده که توسط دکترها [شاهین] عزیزی، [محمد] سهرابی، [محمد] بُرقعی و [حسن] رادمهر و به کارگردانی دکتر [احد] میلانی‌نیا انجام شد و تا ظهر طول کشید؛ همگی موارد خوب بود. برای فشار معده و کنترل قند، دارو مصرف می‌کنم. نکته جالب، کوچک‌تر شدن پروستات نسبت به سال قبل است؛ از ۶۴ به ۵۷ که به ندرت اتفاق می‌افتد. عفت هم معایناتی داشت؛ خون و ادرار برای آزمایش دادیم.

ظهر به دفتر کوشک رفتم. کمی به خاطر بیهوشی برای آندوسکوپي، بی‌حال بودم. فاطمی و علی هم آمدند. عصر و شب، وقت به مطالعه گذشت؛ ازجمله بررسی پیش‌نویس کتاب «فلسطین و هاشمی‌رفسنجانی» که براساس آثار من دربارهٔ فلسطین تهیه می‌شود.

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

شانزدهم شهریور ۱۳۸۳ سالگرد درگذشت مردی است که نامش روزگاری در فهرست بلند فرماندهان سپاه پاسداران می‌درخشید اما مرگش در سکوتی تلخ و به دور از تشریفات رسمی رقم خورد: «حاج‌داوود کریمی»؛ فرمانده‌ای که از دل انقلاب برخاست، در خونین‌ترین روزهای جنگ ایران و عراق میان رزمندگان زیست، در حساس‌ترین جایگاه‌های نظامی سپاه ایستاد و در نهایت به حاشیه رفت. ۲۱ سال از مرگ او گذشت. سرنوشت او، روایت نسلی است که برای آرمان‌های انقلاب جنگید اما به دلیل تفاوت نگاه‌های سیاسی، کنار گذاشته شد. اتفاقی که در دهه اول و دوم انقلاب برای بسیاری از رزمندگان جبهه، فرماندهان، سیاسیون و برخی از چهره‌ها رخ داد و آنها نگاهان حذف و کنار گذاشته شدند.

داوود کریمی پیش از انقلاب از فعالان مذهبی در شبکه‌های مبارزاتی علیه رژیم پهلوی بود. او نه در پی نام و شهرت بلکه بیشتر به دنبال عمل بود. همین ویژگی عمل‌گرایانه موجب شد پس از انقلاب به سرعت وارد سپاه شود و در ساختار این نهاد نظامی مردمی، نقش‌آفرین شود. او از همان نخستین سال‌های تشکیل سپاه، مأموریت‌های حساس را به عهده گرفت و در ساختار فرماندهی جا باز کرد. وقتی جنگ آغاز شد، نام کریمی در کنار فرماندهان میدانی سپاه قرار گرفت؛ ابتدا در سپاه منطقه ۱۰، سپس منطقه ۷ کشور، ستاد عملیات جنوب و در نهایت فرماندهی سپاه ۱۱ قدر. او از جمله فرماندهانی بود که بر میدان جنگ تسلط داشت و مانند عموم فرماندهان جنگ، اهل نمایش و شعار نبود و در میان رزمندگان به صداقت، صراحت و ساده‌زیستی شناخته می‌شد.

هم‌زمان با عیادت بعد از مرگش، حاج‌داوود فاصله‌ای میان خودش و نیروهای خط مقدم نمی‌گذاشت. لباس و غذایش همان بود که سربازانش داشتند و همین رفتار، احترام ویژه‌ای برایش به همراه آورد. برای بسیاری از جوانانی که در سال‌های نخست جنگ راهی جبهه‌ها می‌شدند، او تنها یک فرمانده نبود بلکه الگوی تعهد و ایستادگی بود.

اما همه چیز برای او به میدان نبرد محدود نماند. در میانه دهه ۶۰ در اوج اختلافات سیاسی و در زمانی که آیت‌الله منتظری

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

آوای خاموش

مناسک جمعی؛ جستاری در تحولات اجتماعی ایرانیان

محمدجواد خالقی

پژوهشگر جامعه‌شناسی

پیمایش‌های ملی که در چندین دوره انجام شده، نشان می‌دهد که «سرمایه اجتماعی مذهبی» - یعنی شبکه روابط و مناسبات اجتماعی که حول موضوع مذهب اتفاق می‌افتد- روندی نزولی داشته است. نشانه‌های این امر را می‌توان در تفاوت وضعیت انجمن‌ها، مساجد و حسینیه‌های دهه ۴۰ و ۵۰ با وضعیت حال حاضر مشاهده کرد. در سال ۱۳۴۱ مجموع مساجد در ایران حدود ۳۶۵۳ باب بود که در سال ۱۳۵۲ فقط در محدوده ۲۲۳ شهر به حدود ۵۳۸۹ باب رسید. یعنی در عرض کمتر از ۱۴ سال، مساجد تهران حدود ۵ برابر شده است. در تهران حداقل ۳۲۲ باب سازمان‌های مذهبی مانند حسینیه‌ها، زینبیه‌ها، مهدیه‌ها و... فعالیت می‌کردند که در سال ۱۳۵۳ در ایام محرم و رمضان حدود ۱۳۲۰۰ هیئت مذهبی تشکیل شد. بیشتر هیئت‌های مذهبی حول نهادهای صنفی و مشاغل مانند خیاط‌ها، مسگرها و یا حول هویت‌های قومی و شهری مانند یزدی‌ها و مراغی‌های مقیم مشهد و تهران شکل گرفته بود. همچنین در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۴ فقط در تهران ۲۳ بانک قرض‌الحسنه (به‌عنوان بانک اسلامی) تأسیس شد. اما بر خلاف سازمان‌ها و نهادهای مذهبی مطابق موج اول پیمایش ملی ایرانیان (۱۳۵۳) میزان عضویت در نهادهایی مانند باشگاه ورزشی، انجمن خانه و مدرسه، پیشاهنگی و شیر و خورشید بسیار اندک بود. تا جایی که ۶۷ درصد پاسخ‌گویان این پیمایش، عضو هیچ نوع انجمن و جمعی نبودند. با آیین وجود در دهه‌های اخیر، افول حیات انجمنی دامن گروه‌های

قائم‌مقام رهبری بود، کریمی از منتظری حمایت کرد و بر این حمایت ماند حتی زمانی که آقاسی منتظری از قائم‌مقامی رهبری کنار گذاشته شدند. به همین دلیل، اتخاذ این سیاست، برای یک فرمانده نظامی، در فضای امنیتی و سیاسی آن سال‌ها معنایی جز عبور از خط قرمزها نداشت. پس از برکناری مرحوم منتظری در سال ۱۳۶۸ بسیاری از حامیانش زیر فشار رفتند و کریمی نیز از جمله آنها بود. همین نزدیکی به آیت‌الله منتظری، باعث شد که راه بازگشتش به جایگاه‌های رسمی مسدود شود.

به تدریج او از ساختار نظامی کنار گذاشته شد. روایت‌های مختلفی درباره چرایی این کنار گذاشتن وجود دارد؛ برخی معتقد بودند انتقادهایش از سیاست‌های نظامی، او را مغضوب کرد و برخی دیگر می‌گویند تنها جرئت این بود که از منتظری حمایت کرد اما در هر حال نتیجه یکی بود؛ فرمانده کنار گذاشته شده بود.



اما این پایان ماجرا نبود. سرنوشتی تلخ‌تر به سراغش آمد. گویی در انتظارش نشسته بود. حاج اود که حالا کنار گذاشته شده بود، در دهه ۷۰ بازداشت شد و مدتی را در زندان گذراند. برای دوستانش این اتفاق، به‌خصوص دربارۀ مردی که بخش بزرگی از عمرش را در میدان‌های جنگ گذرانده بود، دردناک بود. ظاهراً حمایت از آیت‌الله منتظری و نقدهای صریح به شیوه اداره کشور در محافل خصوصی، وزیر وقت اطلاعات را مجاب کرده بود که او را بازداشت کند. علی فلاحیان در وزارت اطلاعات و آیت‌الله محمد یزدی در قوه قضائیه هر دو به این اتفاق کمک کردند که او بازداشت و روانه

زندان شود. صراحت داوود کریمی، که پیش‌تر در میدان جنگ نقطه قوتش بود، در فضای سیاسی دهه ۷۰ به جرم بدل شد. او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «ارتباط با عناصر منتسب به بیت منتظری» بازداشت شد و مدتی را در زندان گذراند؛ تجربه‌ای که برای فرمانده‌ای که عمرش را در جنگ صرف کرده بود، معنایی جز تحقیر و شکست نداشت.

پس از آزادی، نه به سپاه بازگشت و نه دیگر در سیاست جایی داشت. درعوض به کارهای آزاد و فعالیت‌های خصوصی روی آورد. زندگی او پس از آزادی، تبدیل شد به زندگی یک فرمانده سابق که همه چیزش را از دست داده بود. نه جایگاه اجتماعی داشت، نه درآمدی ثابت، نه حتی امکان بازگشت به گذشته.

روایت‌ها حاکی از آن است که مدتی در کارهای ساختمانی فعالیت می‌کرد و گاه با دوستان قدیمی‌اش شرکت‌های محدود اقتصادی داشت. زندگی‌اش ساده و بی‌ادعا بود؛ خانه‌ای معمولی، درآمدی نه‌چندان ثابت و دایره ارتباطی‌ای محدود.

رابطه حاج‌داوود کریمی با هم‌زمان سابقش به شکلی سرد و محدود شده بود. بسیاری از دوستان قدیم یا برخی از فرماندهان به جایگاه پر نفوذ رسیده بودند و ارتباط خود را با حاج‌داوود کم کرده بودند. برخی دیگر که جایگاه و منصبی نداشتند نیز ترجیح می‌دادند، فاصله‌ای محتاطانه با او داشته باشند. حمایت از آیت‌الله منتظری به برجستگی تبدیل شده بود که در فضای سیاسی دهه ۷۰ نه تنها پاک نمی‌شد بلکه برخی بر آن دامن هم می‌زدند. همین کافی بود تا بسیاری از دوستان قدیمی از دیدارش پرهیز کنند یا تنها در خلوت به او سر بزنند. معدود هم‌زمانی که هنوز به یاد رفاقت و سال‌های جبهه مانده بودند، گاهی سراغش می‌رفتند اما این دیدارها هم بیشتر رنگ خاطره داشت تا تداوم یک دوستی زنده.

سرانجام در شانزدهم شهریور ۱۳۸۳ حاج‌داوود کریمی چشم از جهان فرو بست. مرگی که نه با تشریفات پرزرق‌وبرق رسمی همراه شد و نه با یادکرد پرشکوه در رسانه‌ها. تنها خانواده و معدود دوستانی که هنوز خاطره‌ای از او داشتند، سوگوار شدند. مرگ او یادآور سرنوشت تناقض‌آمیز نسلی است که از دل انقلاب برخاست، برای تثبیت انقلاب جنگید اما خود قربانی سیاست‌ها و ساختارها شد. پایان زندگی حاج‌داوود کریمی بیش از هر چیز شبیه خاموش شدن چراغی بود که سال‌ها روشن بود اما وقتی خاموش شد، کسی حتی متوجه تاریکی‌اش نشد.

دین و نهاد سیاست به عنوان امر منفی مطرح نیست بلکه وجود این اثرات، خواه ناخواه واقعیتی است که برای حل مساله باید بپذیریم.

۳

همه اینها به این معنا نیست که باورهای دینی در جامعه ایران ضعیف‌تر شده بلکه دیگر سنجه‌ها و شاخص‌های مربوط به پیمایش‌های ملی نشان می‌دهد که باورهای دینی به نسبت قوی باقی مانده است. برای مثال پیمایش‌های موجود در دسترس (۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴) نشان می‌دهد که عمده ایرانیان به طور کلی معتقدند که حجاب باید رعایت شود اما به اینکه حتماً باید به افراد بی‌حجاب تذکر بدهند، معتقد نیستند. یا رفتارهایی مانند نماز به مناسک فردی محدود مانده و مناسک جمعی مانند نماز جماعت یومیۀ کم‌رنگ‌تر شده است. همچنین همبستگی مذهبی میان اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی بیشتر از شیعیان است. به طور کلی می‌توان جامعه ایران را به‌رغم تحولات پیش آمده در چند قرن اخیر همچنان جامعه‌ای مذهبی عنوان کرد اما میزان پایبندی به مناسک جمعی روتین، کاهش پیدا کرده است به ویژه در مناسکی که دولت و سازمان‌های رسمی متکفل آن هستند. البته استثناهایی همچون اربعین وجود دارد که باید در جای دیگر زمینه‌ها و علت‌های آن را بررسی کرد که در این مجمل نمی‌گنجد. چه اینکه دولت و سیاست به طور کامل متکفل برخی از این مراسمات نیست.

چه باید کرد؟

توصیه این راقم برای برون‌رفت از این وضعیت اولاً آن است که وجود ذائقه‌ها و گرایش‌های مذهبی «دیگری» را به رسمیت بشناسیم تا بتوان با آنها ارتباط گرفت. بدیهی است که سرمایه اجتماعی بر ارتباطات اجتماعی استوار است و تا این ارتباطات شکل نگیرد حتی دلسوزان مذهب نمی‌توانند به زعم خودشان مذهب را ترویج دهند و جذب داشته باشند. دوماً عدم دخالت دولت و نهاد سیاست در دین هست. اجازه بدهند مردم خودشان خلاقانه بروز و ظهور داشته باشند تا مناسک را از خودشان بداند. این‌گونه، اشتباهات و کج سلیقگی‌ها را از خودشان می‌دانند نه از سیاست و دولت! و بدون نیاز به تذکر از بیرون، خودشان اصلاح می‌کنند.